



شرح حدیث معرفت

در طلب شاه مردان

دکتر محمود حسابی

هنر چیست؟ ادبیات چیست؟

این غلام از من سخی تر است!

رازهای خانه تکانی در دو روز!

۶ نشانه استرس و راههای درمان آن

اولین دوچرخه تیتانیومی

نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران

فرشته زمینی بی تو ...





از امام سجاد سؤال شد: چگونه است که شب زنده داران از خوش سیما ترین مردمند؟
امام علیه السلام فرمود: زیرا آنها با خدای خود خلوت می کنند و خدا آنها را با نورش می پوشاند.

علل الشرائع ۳۶۶ / ۱

ای دل اگر عاشقی در پی دلدار باش
بر در دل روز و شب منتظر یار باش

دلبر تو دائماً بر در دل حاضر است
رو در دل برگشای حاضر و بیدار باش

لشگر خواب آورد بر دل و جانت شکست
شب همه شب همدم دیده بیدار باش

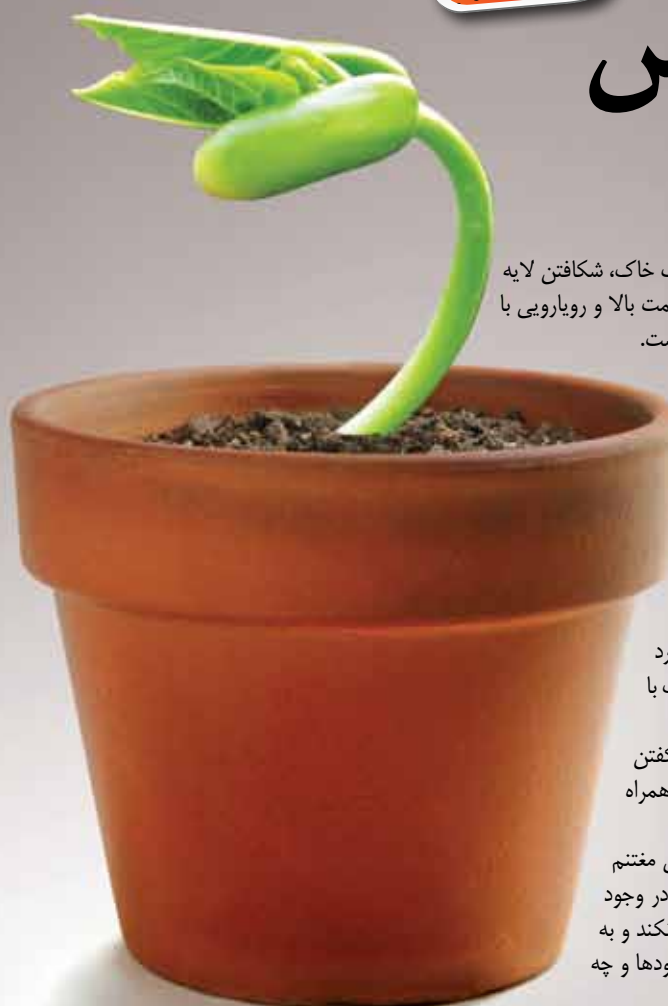
عطار نیشابوری

- ۴ ◦ سرمقاله
- ۵ ◦ شرح حدیث معرفت
- ۷ ◦ قناعت
- ۸ ◦ در طلب شاه مردان
- ۱۰ ◦ دکتر محمود حسابی
- ۱۲ ◦ هنر چیست؟ ادبیات چیست؟
- ۱۴ ◦ پاسخ قاطع
- ۱۶ ◦ جنگ جهانی دوم
- ۱۸ ◦ این غلام از من سخی تر است!
- ۱۹ ◦ شعر
- ۲۰ ◦ ۱۰ آبشار بلند جهان
- ۲۴ ◦ اخبار مسجد
- ۳۰ ◦ رازهای خانه تکانی در دو روز!
- ۳۲ ◦ والدین موفق ۲
- ۳۴ ◦ نان سیر بروستکا
- ۳۵ ◦ خرما اکسیر بازیافت انرژی جوانی
- ۳۷ ◦ ۶ نشانه استرس و راههای درمان آن
- ۳۸ ◦ اولین دوچرخه تیتانیومی
- ۳۹ ◦ ضد یخ برای خون در سرمای شدید
- ۴۰ ◦ طنز
- ۴۱ ◦ خودمانی
- ۴۲ ◦ نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران
- ۴۴ ◦ فرشته زمینی بی تو ...
- ۴۸ ◦ انتخاب، تعریف و بیان مسئله تحقیق
- ۵۱ ◦ جدول





فصل رویش



رویش؛ چه واژه زیبا و پرمعنایی! رهایی از زندان تنگ خاک، شکافتن لایه لایه تاریکی زمین، تنفس در هوای آزاد، حرکت به سمت بالا و رویارویی با نور، همه و همه در این واژه کوچک و پرمغز نهفته است.

بی‌جهت نیست که فصل بهار را فصل اندیشه و درس‌آموزی از تابلوی پر نقش و نگار طبیعت دانسته‌اند؛ اگرچه همه فصول و ایام و جمله کائنات، آیات الهی و سرشار از درس و عبرت است؛ آن‌گونه که امیر کلام علی(ع) فرمود:

من کانت له فکرة فله فی کل شیء عبرة؛ هر کس را که بهره‌ای از اندیشه باشد، در هر چیز برای او درس و عبرتی است.

رویش در بهار، نصیب گیاهی است که ریشه و قابلیت دارد و گرنه در زمستان، چوب خشک بی‌ریشه ایستاده در خاک با نهالی ریشه‌دار، هر دو یکسان به نظر می‌آیند.

چه گوارا و نیکو است که رویش دوباره طبیعت، با شکفتن نهال تفکر و معرفت و بصیرت و باور در نهان آدمی همراه شود.

آری؛ فصل بهار و دگرگونی شگفت‌آور عالم، فرصتی مغتنم برای رویشی دوباره در وجود آدمی است. انسانی که در وجود خویش اندیشه‌های نو نپرورد و باورهای خود را مرور نکند و به نوسازی و تعمیق آن نپردازد، گرفتار روزمرگی‌ها و رکودها و چه بسا عقب‌گردها خواهد شد.

بینش و ایمان و اخلاق و رفتار انسان، همانند جهان طبیعت قابل نشدن و شکوفایی است. آدمی به طور معمول گرفتار پرده‌ها و حجاب‌هایی است که او را از دسترسی به عوالم بالا دور نگهداشته است. شکافتن هر حجاب و برداشتن هر گام، در واقع رویشی جدید است. (قد افلح المؤمنون)¹.

مفهوم تجدید و نو کردن ایمان، از مفاهیم عمیق و زیبایی است که در معارف نورانی اهل بیت: مطرح شده است و در مواردی مانند بیان حقیقت تشهد در نماز که تجدید ایمان است²، تجدید ایمان هنگام مرگ³، تجدید بیعت با امام عصر علیه السلام در هر بامداد و ... به چشم می‌خورد.

مرحوم علامه مجلسی رحمه الله علیه می‌فرماید:⁴ «برای مؤمن شایسته است که همیشه با زبان و قلب و اعمال و رفتار خود، ایمانش را تجدید کند». توجه به این نکته ناب که فرصت نو شدن در همه ابعاد - از معرفت و عقیده گرفته تا اخلاق و عمل - همواره موجود است، به حیات معنوی انسان، نشاط و طراوتی همیشگی می‌بخشد و احساس یأس و کسالت و رکود را از جان آدمی دور می‌کند، و بهار چه نیکو بهانه‌ای برای این رویش معنوی است.

رویشی دیگر

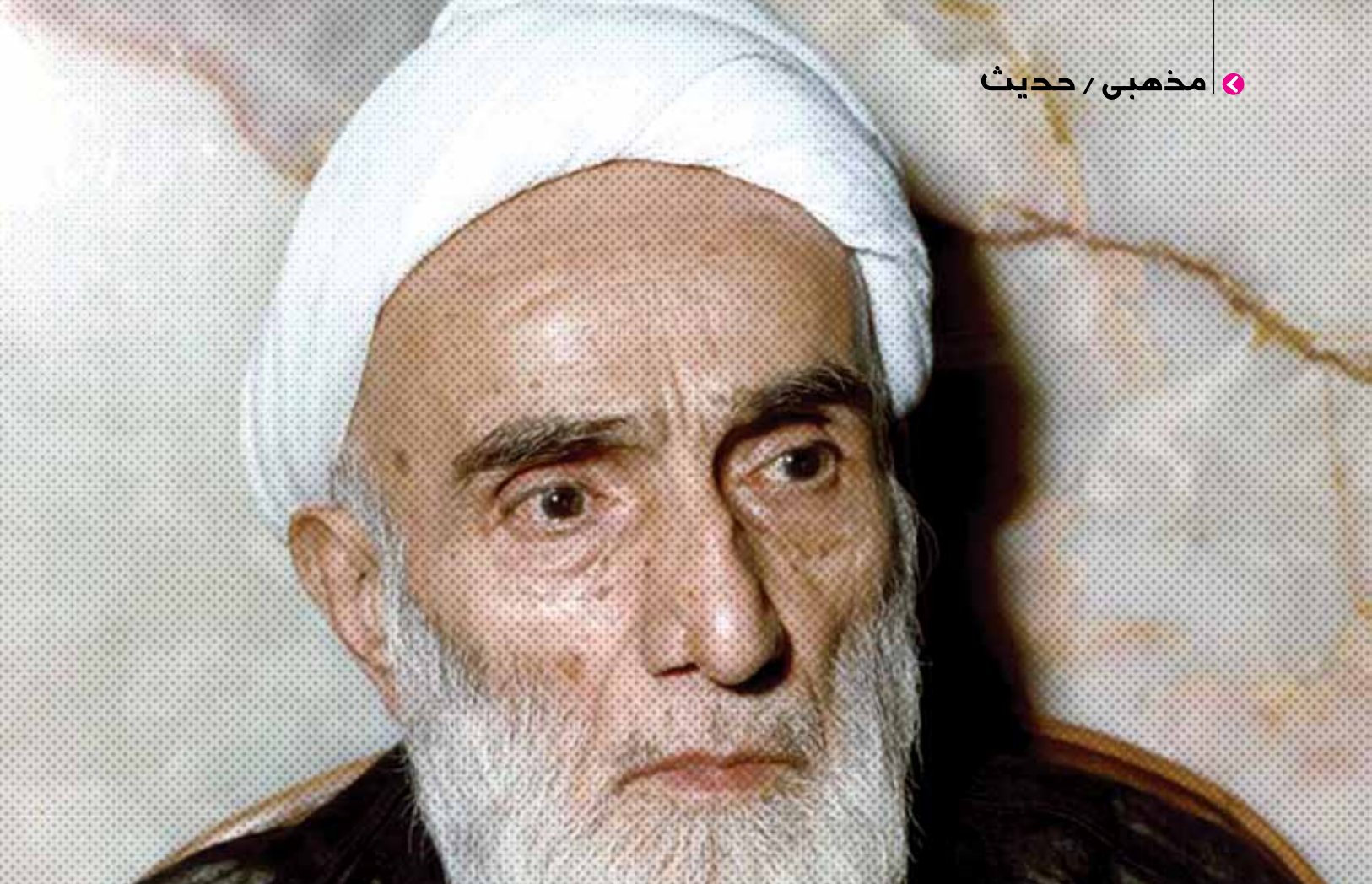
در این ایام، شاهد رویشی دیگر نیز در عرصه حیات جوامع اسلامی هستیم. بذر مبارکی که معمار بزرگ انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در زمین خفته عالم اسلام کشت، این روزها سر از خاک برآورده و نهال بیداری اسلامی رویدن گرفته است.

حکایت همیشگی خودکامگی فرعون صفتان، بار دیگر در صحنه عمل تفسیر شده، و طلیعه وراثت مستضعفان بر روی زمین رخ نموده است. سرنگونی طاغوتیان و حاکمان چندین ساله در سرزمین‌های اسلامی، نویدبخش شکفتن و به بار نشستن نهالی است که در طول قرن‌ها با خون شهیدان و خون دل خوردن تلاشگران و عالمان دین باور غرس شده. امید است با ظهور مهدی موعود علیه السلام عزیز سفر کرده، بشریت خسته و ستم دیده، از میوه‌های گوارای آن، بهره‌مند و از زلال آن سرچشمه حیات، سیراب شود.

اللهم عجل لولیک الفرج

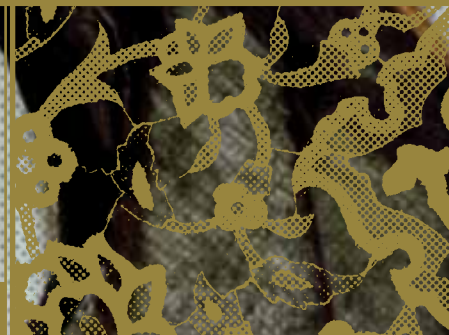
پی‌نوشت‌ها

۱. «فلاح» در لغت، به معنای شکافته شدن است و به معنای پیروزی و رستگاری نیز به کار رفته که با معنای اول بی‌تناسب نیست.
۲. بحارالانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ ق، ج ۸۱ ص ۲۵۴.
۳. همان، ج ۶ ص ۱۹۴.
۴. همان، ج ۶ ص ۲۰۳.



شرح حدیث معرفت

محمد تقی فلسفی



ان تعرف ربك

ایمان به آفریدگار جهان و پدید آورنده کیهان فطری همه انسان‌ها است و به قضای حکیمانه باری تعالی، در نهاد همه آنان نهفته است و با کمترین توجه به آن حقیقت پی می‌برند. وابستگی مخلوق به خالق و ربط پدیده، به پدید آورنده آن قدر روشن و بدیهی است که هر انسان بدون تردید آن را درک می‌کند و بر همین اساس فرستادگان خداوند در سخنانی که به قوم خود می‌گفتند وجود آفریدگار جهان را غیرقابل تردید می‌خواندند. قرآن شریف در این باره فرموده است: (قالت رسلهم افي الله شك فاطر السموات والارض).

رسولان الهی به قوم خود می‌گفتند آیا در وجود آفریدگار که خالق آسمان‌ها و زمین است شک و تردیدی وجود دارد؟ دانشمندان الهی امروز در باره آفریدگار جهان همانند پیامبران خدا سخن می‌گویند. در سال ۱۸۷۳ م بعضی از فلاسفه آلمان در نامه‌ای به داروین از وی سؤال کردند: با نظریه‌ای که درباره بنیاد انواع، ابراز کرده‌ای آیا جهان هستی را پدیده مادی می‌دانید یا آن که خداوند حکیم را آفریده آن می‌شناسی؟ داروین در پاسخ نوشت: «عقل رشید و فکر سلیم، کمترین شبهه‌ای ندارد که محال است این جهان پهناور با این همه آیات روشن و شواهد متقن، با این همه نفوس ناطقه و عقول مفکره بر اثر تصادف و اتفاق کور و نادان به وجود آمده باشد. زیرا تصادف نابینا

قال ابن حمدون في تذكرته:

«قال موسى بن جعفر (ع): وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَ الثَّانِيَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَ الثَّالِثَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَ الرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ».

امام کاظم (ع) فرموده است علم مردم را در چهار چیز یافته‌ام.

اول: آن که خدایت را بشناسی دوم: آن که بدانی در تو چه صنایعی را به کار برده سوم: آن که بدانی در آفرینش تو چه اراده‌ای داشته چهارم: آن که بدانی چه چیز تو را از دینت بیرون می‌برد.

این حدیث در کشف الغمه و روضه بحار و اعیان الشیعه به همین مضمون از امام کاظم (ع) آمده و در کتاب مستدال امام الکاظم (ع) (ج ۱، ص ۲۴۸) نیز نقل شده است و در بعضی از کتب این روایت بامختصر تفاوتی در عبارت، از امام صادق (ع) نیز آمده است.

می‌توان چهار علمی را که امام کاظم فرموده به این عبارت بیان کرد:

اول خداشناسی، دوم خودشناسی، سوم وظیفه شناسی، چهارم انحراف شناسی. امام (ع) در این حدیث می‌خواهد بفرماید علمی که تمام مردم جهان در همه ادوار به آن نیاز دارند و باید آن را فرا گیرند و اساس سعادت مادی و معنوی خویش را بر آن استوار سازند چهار علم است.

قادر نیست نظام منظم بیافریند و سازمان حکیمانه به وجود آورد.

به نظر من این بزرگترین برهان بر وجود ذات اقدس الهی است و از آنجایی که این برهان ارزنده تأیید شده منطقی و علم است، پیرامون براهین دیگری که می‌تواند خداوند جهان را اثبات نماید بحث نمی‌کنم، چه ممکن است همین برهان بسیاری از اهل فضل و دانش را اقتناع نماید. ولی در اوقاتی که تازه وارد بحث و تحقیق شده بودم و در باره آفریدگار جهان فکر می‌کردم شک و تردیدهای بسیاری در ضمیرم راه یافته بود. از آن جمله از خود می‌پرسیدم که علت اولی از کجا آمده است؟ آیا خداوند هم آغاز و انجامی دارد؟ طولی نکشید که متوجه شدم پیروان مکتب مادی نیز گرفتار این شک و تردید هستند و آنان هم باید از خود بپرسند ماده از کجا آمده است؟ آیا ماده را اول و ابتدایی هست یا آن که ازلی است و آغازی ندارد؟

در ابتدا داروین به کشمکش درونی خود که «اگر عالم از خدا به وجود آمده خدا از کجا به وجود آمده است؟» جواب ردی می‌دهد و با خود می‌گوید اگر بر فرض من از اعتقاد به آفریدگار حکیم دست بردارم و از مکتب مادی پیروی کنم و بگویم عالم، از ماده به وجود آمده است باز هم با همان پرسش رو به رو خواهم بود و همان سؤال درباره ماده پیش می‌آید که «اگر عالم از ماده به وجود آمده، ماده از کجا به وجود آمده است؟» پیروان مکتب مادی در جواب خواهند گفت ماده ازلی و قدیم است همیشه بوده و آغاز ندارد. من نیز در پاسخ مادیون که می‌گویند: «اگر عالم از خدا به وجود آمده خدا از کجا به وجود آمده؟» می‌گویم خداوند ازلی است و آغاز ندارد.

داروین سپس برای اثبات وجود خداوند حکیم سؤال دیگری را با مادیون در میان می‌گذارد و از آنان می‌پرسد.

این نظام منظم و سازمان‌های حکیمانه از کجا آمده است؟ این اندازه گیری‌های حساب شده و دقیق که عقل‌های بشر در برابرش وامانده و به عجز و ناتوانی خود اعتراف می‌کند، چگونه به وجود آمده است؟

هرگز تصادف نادان و ماده بی شعور قادر نیست نظام حکیمانه بیافریند. آلبرت اینشتین می‌گوید:

من در این دنیا ماده و نیروی ازلی نمی‌بینم و آفرینش جهان را نتیجه تصادف و اتفاق نمی‌دانم من در آفرینش جهان مشیت قادر متعال را می‌بینم و بس.

آیا هیچ انسان عاقل و بااطلاعی می‌تواند باور کند که ماده بی حس و بی شعور با تصادف خود را آغاز کرده و به خود نظم بخشیده و این نظم برای وی باقیمانده باشد؟ جواب این سؤال منفی است. هنگامی که انرژی به ماده نو تبدیل می‌شود این تبدیل مطابق قانونی صورت می‌گیرد و ماده‌ای که به دست می‌آید از همان قوانینی پیروی می‌کند که ماده‌های موجود پیش از آن پیروی می‌کردند.

کریسی مورین، رییس آکادمی علوم در نیویورک در باره حیات حیوانات و نباتات و رابطه طبیعی و ضروری آن دو با یکدیگر بحث گسترده‌ای می‌کند.

سپس برای نفی تصادف چنین می‌گوید:

آیا می‌توان گفت که فقط بر حسب اتفاق، یک سلول منشا حیات حیوانات و سلول دیگر ریشه و اصل حیات نباتات گردیده است؟

از آنچه گفته شد این نتیجه به دست می‌آید که در مکتب آسمانی پیامبران وجود خالق حکیم، امری بدیهی و تردید ناپذیر است.

همچنین بسیاری از دانشمندان نامی و افراد تحصیل کرده و عالم، به آفریدگار جهان عقیده قطعی و تردید ناپذیر دارند. با این تفاوت که گروهی از آنان عقیده درونی خویش را به زبان می‌آورند و به وجود آفریدگار حکیم اعتراف می‌کنند ولی، بعضی بر اثر محدودیت‌های سیاسی، تعصب‌های جمعی و دیگر عوامل از مادیگری سخن می‌گویند و عقیده درونی خویش را بروز نمی‌دهند، اما همین افرادگاهی در شرایط خاصی قرار می‌گیرند و عقیده باطنی خود را ظاهر می‌کنند. به خاطر دارم روزنامه‌ها نوشتند: یکی از افسران عالی رتبه اتحاد جماهیر شوروی داوطلب شد تا با سفینه فضایی به بیرون جزمین برود و خود را در فضا بیفکند تا معلوم شود نظریه احساس بی وزنی در آن فضا صحیح است یا باطل.

سفینه فضایی آماده شد و تمام وسایل و لوازم آزمایش مهیا شد از آن جمله بند محکمی بود که باید یک سر آن به داخل سفینه بسته باشد و سر دیگرش به کمر افسر داوطلب تا در فضای بیکران رابطه سفینه و افسر قطع نشود. خلبان سفینه و افسر داوطلب از جو زمین خارج شدند. وقتی به فضای مورد نظر رسیدند به دستور زمین، افسر، کمر بند را محکم بست و فضا نورد، در سفینه را گشود و او خود را به فضا انداخت و معلوم شد نظریه بی وزنی در آن فضا صحیح و مطابق با واقع است. هنگامی که دو مسافر فضا به زمین بازگشتند یکی از خبرنگاران از آن افسر پرسید:

موقعی که می‌خواستید خود را به فضا بیفکنید چه احساسی داشتید؟

پاسخ داد نگران بودم؟ سؤال کرد در آن حال چه می‌کردید؟ گفت:

دعا می‌خواندم. پرسید دعا می‌خواندید؟ گفت: آری دعا می‌خواندم.

این افسر، در ظاهر کمونیست بود اما در باطن الهی بود و به آفریدگار توانا و حکیم عقیده داشت و در آن موقع وحشت ز دعا می‌خواند و آن را که در باطن داشت آشکار کرد.

معرفت آفریدگار، آدمی را از صف مادیون جدا می‌کند و به گروه الهیین، پیوند می‌دهد. معرفت باری تعالی در مکتب پیامبران پایه اصلی انسان سازی و زیربنای تمام مدارج کمال است. ولی باید توجه داشت که خداشناسی به تنهایی و بدون سه مرحله دیگر علم راهگشا نیست. مجموع این علوم، حس مسوولیت را در نهاد انسان بیدار می‌کند، او را به راه خدا سوق می‌دهد و به اطاعت او امریاری تعالی و دوری از گناهان وادار می‌کند. در پرتو سعی و عمل و پیروی از پیامبران الهی، استعدادهای درونی‌اش به فعلیت در می‌آید و مدارج کمال را که لایق او است به شایستگی می‌پیماید.



قناعت



عزت ز قناعت است و خواری ز طمع با عزت خود بساز و خواری مطلب

● قناعت

اگر نفست و روح و روانت را با «قناعت» آشنا کردی، نه تنها زندگی دیگر برایت سخت و طاقت‌فرسا نیست، که لذت‌بخش هم هست. قناعت؛ یعنی انسان به آنچه خداوند از رزق و روزی و امکانات زندگی برایش تعیین کرده است، قانع و راضی باشد، آرزوهای طولانی و بلندپروازی، حرص‌ورزی و طمع به مال دیگران نداشته باشد و در امور زندگی میانه رو باشد. امام علی (علیه السلام) نیز فرموده: «شکرگزارترین مردم نسبت به نعمت‌ها، قانع‌ترین آنهاست و ناسپاس‌ترین آنان در برابر نعمت‌ها، حریص‌ترین آنها».

● طمع

هر چه آب به او بدهی، باز هم آب می‌خواهد. از خوردن آب سیراب نمی‌شود. گویی این تشنگی درونی نمی‌خواهد هیچ وقت فرو نشیند. می‌گویند دچار مرض «استسقاء» شده است.... اسم این مرض را شنیده‌ای؟... مرضی است که در آن، تشنگی، بیمار را از پا می‌اندازد. هر قدر هم که آب بخورد، باز هم احساس تشنگی می‌کند و آب می‌خواهد. آبی که می‌خورد، او را سیراب نمی‌کند.... گاهی روح آدم هم همین مرض را می‌گیرد و دچار عطش بی پایان می‌شود. اگر هر چه بخواید، برایش آماده کنی بیشتر می‌خواهد و به آنچه برایش تهیه کردی، قانع نمی‌شود. این تشنگی درونی یا همان «حرص و آز» کم‌کم بر وجود آدمی چیره می‌شود و سرانجام هم او را از پا در می‌آورد.

گروهی از مردم به دلیل خوش‌گذرانی و ولخرجی، بیش از درآمد خود خرج می‌کنند و در نتیجه، هر روز بیشتر از روز قبل بدهکار می‌شوند تا اینکه زندگیشان فلج می‌شود. به فرموده پیامبر خدا قناعت، ثروتی تمام نشدنی است. به راستی، انسان اگر تمام ثروت دنیا و همه امکانات را داشته باشد ولی صفت

قناعت در او نباشد، فقیر و بیچاره است و نه تنها دنیا، بلکه آخرت خویش را نیز از دست می‌دهد. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

به آنچه خداوند قسمت تو کرده، قانع باش و به آنچه دیگران دارند، چشم مدوز و آنچه را بدان نمی‌رسی، آرزو مکن؛ زیرا کسی که قانع باشد، سیر می‌شود و کسی که قانع نباشد، سیر نمی‌شود. پس بهره آخرت را دریاب.

امام صادق علیه السلام فرمود: ما أقیح بالمومن أن تكون له رغبة تذله. چه زشت است برای مومن که میل و رغبتی در او باشد که او را خوار و ذلیل کند. مرحوم مجلسی می‌فرماید: والمراد الرّغبة إلى الناس بالسؤال عنهم وهي التي تصیر سببا للمذلة و اما الرّغبة إلى الله فهي عين العزّة. مقصود از میل و رغبتی که نکوهش شده و سبب ذلت و خواری انسان می‌گردد آن است که دست به سوی مردم دراز کند و از آنان چیزی بخواهد، اما سوال کردن از خدا و توجه و رغبت به پروردگار گذشته از این که ذلت آفرین نیست مایه سربلندی و عین عزّت است.

امام سجّاد علیه السلام فرمود: رأيت الخیر کله قد اجتمع فی قطع الطمع عمّا فی أیدی الناس؛ تمامی خیر و سعادت را در این دیدم که انسان به آن چه در دست مردم است چشم طمع نداشته باشد زیرا طمع خواه ناخواه انسان را خوار و ذلیل می‌سازد.

طمع بسیار کردن خواری آرد
نتیجه خواریش غمخواری آرد

مدار از کس طمع هر دم به چیزی
شود خوار از توقع هر عزیزی

طمع در هر چه بستی پای بستی

چو دست از جمله شستی رو که رستی

خلاصه دست دراز کردن به سوی این و آن از شرف و عظمت انسان می‌کاهد، یعنی او را بدهکار و مردم را بستانکار می‌کند، ولی بی اعتنا بودن به آن چه نزد مردم است (از ثروت و نعمت) سبب عزّت و سربلندی او می‌شود.



در طلب شاه مردان

از او را نداشت. به خواستگاران جسور و نام‌آور سایر قبایل هم جواب رد می‌داد. وقتی ما و خانواده‌اش از او می‌پرسیدیم که چرا ازدواج نمی‌کنی؟ می‌گفت: مردی نمی‌بینم! اگر (مردی) به خواستگاری‌ام بیاید، ازدواج می‌کنم. من که انگار افسانه‌ای شیرین می‌شنیدم، گویی یکباره از یاد بردم که این، بخش ناشنیده‌ای است از زندگی مادر همسر. لذا با بی‌تابی پرسیدم: خب، بگویند آخر چه شد؟!

زن در حالی که از خنده ریشه می‌رفت، گفت: هیچ آن قدر منتظر ماند تا مویش همرنگ دندان‌هایش شد و ناکام از دنیا رفت! ... خب، معلوم است که آخرش چه شد. وقتی عقیل به نمایندگی از طرف برادرش علی که رحمت و درود خدا بر او باد - به خواستگاری فاطمه آمد، او از فرط شادمانی و رضایت، گریست و گفت: خدا را سپاس من به «مرد» راضی بودم ولی او «شاه مردان» را نصیب من کرد. زن دیگر با خنده میان حرف دوستش پرید: چرا - جریان خواستگاری معاویه را نمی‌گویی؟

- آخ راست می‌گویی ... اما این یکی را حتماً خودش شنیده ... با تعجب و حیرت گفتم: خواستگاری معاویه؟! از ام‌البنین؟! شوخی می‌کنید؟! - یعنی نشنیده‌ای؟ تو چه عروسی هستی دختر؟ لااقل حکایت «میسون» را که می‌دانی ...

- «میسون»؟! نه! چه حکایتی است؟

- پس از اول برایش تعریف کن خواهر گرچه، می‌ترسم اگر باد به گوش ام‌البنین برساند که ما قصه زندگی‌اش را برای عروس چشم گوش بسته‌اش تعریف کرده‌ایم، پوست از سرمان بکند.

- به چشم، می‌گویم راستش قبل از آن که عقیل به نیابت از امیرمؤمنان (علی) به خواستگاری فاطمه بیاید، معاویه هم کسی را به خواستگاری فرستاده بود. لابد می‌دانی که معاویه پس از رحلت پیامبر و آغاز حکمرانی خلفاء والی شام شد و با حیف و میل بیت‌المال و خرج کردن از کیسه مردم، رفته رفته برای خود امپراتوری خودمختار ایجاد کرد.

نه فقط الان که خود را امیرالمؤمنین و خلیفه مسلمین می‌نامد و می‌داند، بلکه از همان آغاز ولایت بر شام، سعی داشت بهترین‌ها را برای خود دست‌چین کند؛ بهترین لباس‌ها، لذیذترین خوراکی‌ها، زیباترین غلامان و کنیزها، باشکوه‌ترین تجمعات و تجهیزات و بهترین زنان! آوازه زیبایی و شجاعت فاطمه کلایه،

مهربان‌تر از مادر، محرم‌تر از خواهر، مقاوم‌تر از کوه، زیباتر از حور و روح‌نوازتر از نسیم صبح... این صفات نادره، تنها چند شاخه گل از گلستان وجود مادر همسر، فاطمه ام‌البنین است. آن قدر مؤدب و محبوب و آرام است که جز به وقت ضرورت سخن نمی‌گوید و در عین هیمنه و شکوهمندی، چنان لطیف و نجیب است که بی‌ترس از ملامت و سرزنش، می‌توانی ساعت‌ها با او سخن بگویی و به تمام اشتباهات و خطاهایت اعتراف کنی.

وقتی همسر عباس، با لبخندها و خنده‌های همیشگی‌اش از سخت‌گیری‌های مادرش در تربیت فرزندان می‌گفت و می‌گفت که مادرش نخستین مربی شمشیرزنی و تیراندازی او و برادرانش بوده، نمی‌توانستم به خود بقبولانم که این فرشته مجسم و این تندیس بی‌نقص لطافت و زنانگی، نسبتی با شمشیر و کمان داشته باشد. همواره صحبت‌هایی از این دست را ترفندی از جانب همسر خنده رو و مهربانم می‌دانستم که شاید می‌خواست میزان شناخت من از روحیه و عواطف مادرش را بسنجد.

امروز در بازار مدینه، با دو زن مسافر از قبیله بنی‌کلاب ملاقات کردم. وقتی دانستند که من عروس فاطمه کلایه‌ام، با خوشحالی مرا در آغوش گرفتند و بعد از پرسیدن حال و نشانی منزل او، اولین سؤالشان، مرا از فرط تعجب بر جا خشک کرد: - هنوز هم شمشیر می‌بندد؟

- شمشیر؟! نه!

- پس برادرش درست می‌گفت که از بعد ازدواج، تغییر کرده.

- یعنی می‌گویند مادر همسرم جنگیدن می‌داند؟!

از حیرت، سادگی و نوع پرسش به خنده افتادند. یکی از آنها به عذرخواهی از خنده بی‌اختیار و بی‌مقدمه‌شان، روی مرا بوسید و گفت: شما دختران شهر چه قدر ساده‌اید. قبیله ما - بنی‌کلاب - به جنگاوری و دلیری میان قبایل مشهور و معروف است و تقریباً تمام زنان قبیله نیز کمابیش با شمشیرزنی، تیراندازی و نیزه‌داری آشنايند. اما فاطمه از نسل «ملاعب الاسنه» (به بازی گیرنده نیزه‌ها) است و خانواده‌اش نه فقط در میان قبیله ما و کل اعراب، بلکه حتی در امپراتوری روم نیز معروف و مورد احترامند. فاطمه در شمشیرزنی و فنون جنگی به قدری ورزیده و آموزش دیده بود که حتی برادران و نزدیکانش تاب هم‌وردی و مقابله با او را نداشتند.

بعد در حالی که می‌خندید، ادامه داد: هیچ مردی جرأت و جسارت خواستگاری

است، هدیه‌ای است بی‌دلیل، مشکوک و اسراف‌آمیز اما اگر قیمت و بهای من است. به اربابت بگو که مرا بسیار ارزان پنداشته ... های! کجا می‌گریزی؟ بیا خر مهره‌هایت را هم ببر و حمایل شتر صاحب کن!

اما فرستاده معاویه این جملات را نشنید چون لحظاتی پیش از آن، پابره‌نه از بیم جان گریخته بود و ساعتی بعد یکی از همسایگان، طبق‌های هدیه را به او رساند.

معاویه هم البته از پا ننشست. برای آن که ثابت کند می‌تواند از بنی کلاب زن بگیرد، این بار فرستاده‌اش را به خواستگاری «میسون» دختر «بجدل» فرستاد و او را به زنی گرفت. «میسون» سوگلی معاویه شد و «یزید» را برای او به دنیا آورد.

اما معاویه دست‌بردار نبود. یکی - دو سال بعد از آن ماجرا، یکی از صحابه معتبر پیامبر را واسطه خواستگاری از فاطمه کرد. فرستاده معاویه مشغول طرح مقدمات خواستگاری بود که عقیل از راه رسید. بعد از آن که عقیل، هدف از آمدنش را گفت و از فاطمه برای برادرش خواستگاری کرد، صحابی پیامبر که فرستاده معاویه بود نیز با شکفتگی و خوشحالی، خانواده حزام را به پذیرش خواست عقیل، تشویق و ترغیب کرد و وجوه افتراق و امتیاز پیشوایمان علی را به تفصیل برشمرد.

معاویه نیز پس از شنیدن این ماجرا، چنان مارگزیده‌ها شده بود، خلاصه این که حسرت ازدواج با فاطمه ام‌البنین بر دل معاویه ماند.

با این که دیروز با مادر همسر ملاقات کرده بودم، با شنیدن روایت زندگی‌اش، مشتاق شدم تا به بهانه راهنمایی دوستان قدیمش، با آن دو همراه شوم و دوباره زیارتش کنم.

در می‌زنیم و پس از چند لحظه، در گشوده می‌شود. قامت رعنا و چهره معصوم و مهربان مادر همسر، در چارچوب در ظاهر می‌شود با همان لیخد محبوب و آرامش‌بخش همیشگی.

من لبابه‌ام؛ خوشبخت‌ترین زن زمین، همسر عباس، عروس فاطمه کلایه «ام‌البنین»، همسر علی امیرالمؤمنین، کنیز مهربان کودکی‌ام، بالابلند بهشتی، سنگ صبور گره‌گشا، شیرزن، بانوی افسانه‌ای و ... زنی که هر روز می‌فهمم کمتر می‌شناختمش ...

نوشته‌ی ابوالفضل زرویی نصرآبادی

باعث شد که معاویه یکی از نزدیکان مغرورش را با مبالغی چشمگیر از جواهر آلات و البسه و سایر هدایا به خواستگاری او بفرستد.

فرستاده معاویه بعد از آن که با تبختر و فخر فروشی، طبق‌های هدایا را پیش فاطمه و خانواده‌اش به چشم کشید، با حالتی تحقیرآمیز و غیرمؤدبانه، کنار هدایا تکیه داد و از گشاده‌دستی و بنده‌نوازی اربابش گفت و چنان که گویی از پاسخ مثبت فاطمه و خانواده‌اش خبر داشت، فرمان داد که: «دختر تا فردا صبح آراسته و آماده حرکت به شام باشد تعجیل کنید».

فاطمه با حجب و حیایی دخترانه به آرامی از پدرش پرسید: «پدر جان، آیا اجازه می‌دهید چند کلمه‌ای با فرستاده ارجمند والی بزرگ شام سخن بگویم؟» پدر که آتش پنهان در زیر این لحن را می‌شناخت و از بی‌ادبی فرستاده نیز به شدت خشمگین بود، ظاهراً از فرستاده کسب اجازه کرد فرستاده با تکبر سری جنباند که یعنی بگوید.

«حزام» به آشفشان اجازه فوران داد:

«بگو دخترم».

فاطمه گفت: «جناب فرستاده، آیا من از هم اکنون می‌توانم مطمئن باشم که همسر والی مقتدر شام، امیر معاویه بن ابوسفیان هستم؟»

فرستاده که تقریباً پشت به فاطمه و خانواده‌اش دراز کشیده بود، سر چرخاند و چنان که گویی بر آنان منت می‌گذارد، گفت: «بله، هستی».

لحن آرام و شرم‌آگین فاطمه به یکباره تغییر کرد و با لحنی قاطع، بر سر مرد فریاد زد: «پس درست بنشین مردک!»

فرستاده همچون کسی که به رعد و برق دچار شده باشد، به یکباره از جا جست و با چشمان گشاده از حیرت، مؤدب و دو زانو نشست.

فاطمه ادامه داد: «آیا اربابت به تو حد و ادب میهمان و حق و حرمت میزبان را نیاموخته؟ چگونه والی مقتدری است معاویه که به نوکرانش اجازه می‌دهد با خانواده همسرش جسور بی‌ادب باشند؟ به خدا قسم اگر شومی خون میهمان و بیم غیرت‌ورزی عشیره نبود، این بی‌ادبی‌ات بی‌پاسخ نمی‌ماند».

فرستاده معاویه که از ترس جان، در همان حالت نشسته، عقب عقب رفته بود، تقریباً به آستانه در رسیده بود و با دست کشیدن بر زمین، کفشهایش را می‌جست.

ام‌البنین دوباره غرید: «و اما این هدایا و جواهرات اگر فقط هدیه و پیش‌کش

دکتر محمود حسابی

پدرش (سید عباس معزالسلطنه) و مادرش (گوهرشاد حسابی) هر دو اهل تفرش بودند. او چهار سال اول دوران کودکی‌اش را در تهران سپری نمود. سپس به همراه والدین و برادرش عازم شامات شد. در هفت سالگی تحصیلات ابتدایی خود را در بیروت، با تنگدستی و مرارت‌های دوری از میهن، در مدرسه کشیش‌های فرانسوی آغاز کرد. در همان زمان تعلیمات مذهبی و ادبیات فارسی را نزد مادرش فرا می‌گرفت. او قرآن کریم و دیوان حافظ را از حفظ می‌دانست. وی اعتقادی ژرف به قرآن داشت. او همچنین بر کتب بوستان، گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی و منشآت قائم مقام فراهانی اشراف کامل داشت. محمود حسابی در ۱۲ شهریور سال ۱۳۷۱ هجری شمسی در بیمارستان دانشگاه ژنو درگذشت. آرامگاه (خانوادگی) وی در شهر تفرش قرار دارد.

● تحصیلات

شروع تحصیلات متوسطه او مصادف با آغاز جنگ جهانی اول و تعطیلی مدارس فرانسوی زبان بیروت بود. از این رو، به مدت دو سال در منزل به تحصیل پرداخت. پس از آن در کالج آمریکایی بیروت به تحصیلات خود ادامه داد. در سن هفده سالگی لیسانس ادبیات، و در سن نوزده سالگی لیسانس بیولوژی را اخذ نمود. پس از آن در رشته مهندسی راه و ساختمان از دانشکده فرانسوی مهندسی در بیروت فارغ التحصیل شد. در آن دوران با اشتغال در نقشه کشی و راهسازی، به امرار معاش خانواده کمک می‌کرد. او همچنین در رشته‌های پزشکی، ریاضیات و ستاره شناسی به تحصیلات دانشگاهی پرداخت. دکتر حسابی در دانشگاه سوربن فرانسه، در رشته فیزیک به تحصیل و تحقیق پرداخت. در سال ۱۹۲۷ میلادی در سن بیست و پنج سالگی دانشنامه دکترای فیزیک خود را، با ارائه رساله‌ای تحت عنوان «حساسیت سلول‌های فتوالکتریک»، با درجه عالی دریافت نمود.

دکتر حسابی در دانشگاه پرینستون آمریکا تحت نظر پروفیسور انیشتین فرضیاتی درباره «بی نهایت بودن ذرات» و «عبور نور از مجاورت ماده» ارائه نمودالگو:نیازمند مدرک. سپس در دانشگاه شیکاگو برای اثبات فرضیه‌هایش آزمایشاتی انجام داد.

شرکت راهسازی فرانسوی که او در آن مشغول به کار بود، به پاس قدردانی از زحماتش، وی را برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام کرد. در سال ۱۹۳۴ میلادی به مدرسه عالی برق پاریس راه یافت و در سال ۱۹۲۵ میلادی فارغ التحصیل شد.

● زبان‌های خارجی

حسابی علاوه بر زبان فارسی، به زبان عربی، فرانسوی، انگلیسی و آلمانی تسلط داشت. در تحقیقات علمی خود از زبان‌های سانسکریت، لاتین، یونانی، پهلوی، اوستایی، ترکی، ایتالیایی و روسی نیز استفاده می‌نمود.

● فعالیت‌های شغلی و اجتماعی

او هم‌زمان با تحصیل در رشته معدن، در راه آهن برقی فرانسه نیز کار می‌کرد. پس از فارغ التحصیل شدن در رشته معدن، در معادن آهن شمال فرانسه و معادن زغال سنگ ایالت «سار» به کار مشغول شد.

وی با وجود امکان ادامه تحقیقات در خارج از کشور، به ایران بازگشت و به پایه‌گذاری علوم نوین و تأسیس دارالمعلمین و دانشسرای عالی، دانشکده‌های فنی و علوم دانشگاه تهران، نگارش ده‌ها کتاب و جزوه و راه‌اندازی و پایه‌گذاری فیزیک و مهندسی نوین پرداخت. وی همچنین در کابینه محمد مصدق، وزیر فرهنگ بود.

● ورزش

وی در چند رشته ورزشی نیز موفقیت‌هایی کسب کرد، از جمله کسب مدرک نجات غریق در رشته شنا.

● افتخارات

وی به سبب تلاش‌های خستگی‌ناپذیر لقب پدر علم فیزیک و مهندسی

نوین ایران در کشور را کسب نمود. همچنین به دریافت بالاترین نشان علمی فرانسه یعنی لژیون دونور مفتخر گردید. وی در سال ۱۹۹۰ به عنوان «مرد اول علمی جهان» برگزیده شد.

● خدمات

- اولین نقشه برداری فنی و تخصصی کشور (راه بندرلنگه به بوشهر)
- اولین راهسازی مدرن و علمی ایران (راه تهران به شمشک)
- اولین مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران
- پایه‌گذاری اولین مدارس عشایری کشور
- پایه‌گذاری دارالمعلمین عالی
- پایه‌گذاری دانشسرای عالی
- ساخت اولین رادیو در کشور
- راه‌اندازی اولین آنتن فرستنده در کشور
- راه‌اندازی اولین مرکز زلزله‌شناسی کشور
- راه‌اندازی اولین رآکتور اتمی سازمان انرژی اتمی کشور
- راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران
- محاسبه و تعیین ساعت ایران
- پایه‌گذاری اولین بیمارستان خصوصی در ایران، به نام بیمارستان گوهرشاد
- شرکت در پایه‌گذاری فرهنگستان ایران و ایجاد انجمن زبان فارسی
- تدوین اساسنامه طرح تأسیس دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری دانشکده فنی دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری دانشکده علوم دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری شورای عالی معارف
- پایه‌گذاری مرکز عدسی‌سازی اپتیک کاربردی در دانشکده علوم دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری بخش آکوستیک در دانشگاه و اندازه‌گیری فواصل گام‌های موسیقی ایرانی به روش علمی
- پایه‌گذاری انجمن موسیقی ایران و مرکز پژوهش‌های موسیقی
- پایه‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش نوین ابتدایی و دبیرستانی
- پایه‌گذاری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری مرکز تحقیقات اتمی دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری سازمان انرژی اتمی ایران
- پایه‌گذاری اولین رصدخانه نوین در ایران
- پایه‌گذاری مرکز تعقیب ماهواره‌ها در شیراز
- پایه‌گذاری مرکز مخابرات اسدآباد همدان
- پایه‌گذاری کمیته پژوهشی فضای ایران
- ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی کشور (در ساختمان دانشسرای عالی در نگارستان دانشگاه تهران)
- تدوین اساسنامه و تأسیس موسسه ملی استاندارد
- تدوین آیین نامه کارخانجات نساجی کشور و رساله چگونگی حمایت دولت در رشد این صنعت
- پایه‌گذاری واحد تحقیقاتی صنعتی سغدایی (پژوهش و صنعت در الکترونیک، فیزیک، فیزیک اپتیک، هوش مصنوعی)
- راه‌اندازی اولین آسیاب آبی تولید برق (ژنراتور) در کشور
- ایجاد اولین کارگاه‌های تجربی در علوم کاربردی در ایران
- ایجاد اولین آزمایشگاه علوم پایه در کشور

● مقالات علمی منتشر شده

چنانچه از جستجوی مجلات علمی آن زمان به دست می‌آید، ایشان صاحب شش مقاله علمی در زمینه فیزیک هستند که هیچکدام از نظر علمی قابل توجه به نظر نرسیده‌اند.

و به همین خاطر نشان Commandeur de la Légion d'honneur به ایشان اهدا گردید!



از گذشته های بسیار دور، زمانی که انسان، با پدیده های ناشناخته و عجیب روبه رو می شد، به دنبال چاره ای بود تا راهی برای آرامش روح و رفع نیاز فطری خود به معنویت (ارتباط با آسمان و غیب) و زیبایی (درونی و بیرونی) بیابد، تا این که به تدریج آموخت که از طریق آیین های پرستش و با توسل به صوت و کلام و آواهای موزون و ادبیات منظوم (آهنگین)، می تواند به مقصود خود برسد. قدیمی ترین آثار مکتوب به جای مانده و نخستین آثار بشر در بین اقوام و ملت های مختلف، سروده های دینی یا حماسی منظوم هستند، مانند: «گاتا»های زردشت، بخشی از مزامیر داوود، قصائد سلیمان، بخش هایی از «ودا»ها و «اوپانیشاد»های هندیان قدیم، «ایلیاد» هومر و حماسه های ملی چین و ژاپن. بعدها، نثر، پس از شعر و با گسترش دانش بشری در دوره های بعد، متداول شده است.

اهمیت این مسئله، تا آن جاست که کلام خداوند در قرآن مجید نیز در دوره مکه (یعنی از آغاز بعثت تا سال سیزدهم)، سجع و آهنگین است و نیز از این روست که قرآن و اذان و دعاها و مناجات ها هم برای این که تأثیر بیشتری بر دل و جان مؤمنان بگذارند، با صوت خوش خوانده می شوند.

هنر نیز چون مذهب و ادبیات، از گذشته تا به حال، جزء ارکان اصلی زندگی بشر و در پیوند مستقیم با آیین ها و باورهای دینی بوده و از آن جا که همواره آدمی، با آفرینش آثار هنری، احساس شغف و لذت می کرده، با زندگی وی درآمیخته است. از میان انواع هنر، موسیقی، پیش از دیگر رشته های هنری وجود داشت. موسیقی مذهبی، از قدیمی ترین انواع موسیقی در دنیاست. تقریباً تمامی قبایل صحرانشین در آفریقا و مغولستان و منچوری و اسکیموها و جنگل نشینان آمازون و گینه بیسائو و سرخ پوستان سراسر قاره آمریکا و... بیش از دو هزار سال است که در آیین های مذهبی خود، از سازهای کوبه ای و سیمی و بادی و نواهای موزون، بهره می برند، چه رسد به مردمان متمدن چین و هند و ایران و بین النهرین و سواحل نیل و یونان و روم! امروزه، نواختن ارگ و خواندن آوازهای جمعی، از سنت های کلیسا شمرده می شود. در اسلام نیز، البته «غنا» - به معنای هر نوع آواز مخصوص مجالس گناه و موسیقی ای که شنیدنش موجب زوال عقل و اراده و قدرت تصمیم گیری در انسان شود - از آغاز، حرام بوده است؛ اما اغلب فرقه های مذهبی و مکتب های فقهی، در طول تاریخ اسلام، مخالفتی با آوازهای مذهبی (تلاوت قرآن و مناجات با الحان، متقبت خوانی، مولودی خوانی، مداحی، ذاکری، مصیبت خوانی نداشته اند و به کار بردن سازهایی خاص (مثل دف، طبل، صنج، سُرنا، نی و نی انبان) را جنگ و تمرین نظامی و... مجاز شمرده اند. به علاوه، مجتهدان شیعه، از

سده

های دور

تا امروز، شنیدن

یا اجرای هر نوع موسیقی

غیر غنائی را که همراه با گناه

نباشد، حلال شمرده اند و فقط شنیدن

آواز زن از سوی مرد نامحرم را استثنا کرده اند.^۱

■ هنر چیست؟

هنر، انتقال عواطف و احساسات هنرمند به انسان است. هنرمندان چیره دست، قادر بوده اند در آثارشان، عواطف و تجربیات خود را به صورتی آشکار کنند که باعث برانگیخته شدن احساسات مخاطب شود و با ایجاد عواطف مشترک با مخاطبان، ارتباط و پیوندی معنوی برقرار کنند. هنرمندان، با خلق آثار بدیع، آنچه را که افراد عادی از درک آن عاجز بوده اند، برای همگان، قابل فهم کرده اند. عکاسی، نقاشی، مجسمه سازی، آهنگ سازی، فیلم سازی، تئاتر، معماری، طراحی، طراحی کاریکاتور و...، امروزه دیگر از بخش های ثابت و جذاب زندگی جوامع انسانی شمرده می شوند.

تولستوی می گوید: «هنر، یک فعالیت انسانی است و مقصدش انتقال عالیت ترین و بهترین احساساتی است که انسان ها بدانها دست یافته اند».^۲

■ ادبیات چیست؟

در ماهیت ادبیات، گفته شده که: ادبیات، عبارت است از آن گونه سخنانی که از حد سخنان عادی، برتر و والاتر بوده است و مردم، آن سخنان را در میان خود، ضبط و نقل کرده اند و از خواندن و شنیدن آنها دگرگونه گشته و احساس غم و شادی یا لذت و آلم کرده اند».^۳

شاعران، با لطف طبع و احساسات دقیق، و نویسندگان چیره دست، با قدرت اندیشه و نیروی تخیل و به کارگیری بدیع زبان، جلوه و معنای خاصی به کلام بخشیده اند و با نفوذ در فکر و جان خواننده، آنان را در غم ها و شادی های خود

هنر چیست؟ ادبیات چیست؟

و پیشرفت، از طریق آموزش، نقد و اصلاحگری، اتحاد، مهرورزی و همدردی است و همواره بشر را به سوی آرمان‌های والای انسانی، هدایت کرده است.

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن می‌گوید: «ادب - که در آغاز، به معنای رسم و آیین خوب زندگی کردن بود ادب فنی (یعنی ایجاد آثار ادبی) را گسترش داد و در واقع، ادب نفس با ادب درس، پیوند گرفت و ادبیات، وسیله‌ای شناخته شد برای بهتر و زیباتر زندگی کردن».^۵

ادبیات، همواره با اخلاق، پیوندی دیرینه داشته و بر مسئله مهم خودشناسی تأکید فراوان کرده است و از آن جا که در آموزه‌های اسلامی، خودشناسی، پایه و پیش نیاز خداشناسی معرفی شده است،^۶ می‌توان به اهمیت و جایگاه ادبیات در رشد اخلاق و تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی بیشتر پی‌برد.

تولستوی، هنر و ادبیات را از عالی‌ترین تجلیات جمال الهی و به وجود آورنده عالی‌ترین لذت‌های روحی و معنوی برای انسان، تعریف می‌کند.^۷ نظامی (شاعر نامدار ایرانی)، شاعران را پیشرو و راهنمای عالم بشریت دانسته و مرتبه والایی به آنان نسبت داده و مقام آنان را پس از پیامبران خدا می‌داند و می‌گوید:

پیش و پسی یافت صفِ کبریا

پس، شعرا باشد و پیش، انبیا.

کانت، شاعری را والاترین هنرها می‌پندارد و می‌گوید: شعر، غذای روح و فکر آدمی و آموزنده است».^۸

در پایان، می‌توان چنین گفت که هنر و ادبیات، در تمامی اهداف و رسالت‌ها، دارای ویژگی‌های مشترک و یکسانی هستند و هیچ حد و مرزی، آنها را از هم جدا نمی‌کند و شاید بتوان گفت که در اصل، ادبیات، بخشی از هنر است؛ اما آن بخشی است که به خاطر گستردگی زیاد، تا حدی استقلال یافته و در نهادهای رسمی آموزش (مدارس، دانشگاه‌ها و...) جدا بررسی می‌شود، در حالی که از نظر ماهیت، - چنان که ارسطو تصریح کرده است - در شمار هنرهاست. ادبیات، هنر کلامی است، در برابر هنرهای دستی، تصویری - تجسمی، صوتی و ...

پی‌نوشت‌ها

۱. موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام، محمد اسماعیل نوری، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵، ص ۲۵-۵۷.
۲. هنر چیست؟، لئو تولستوی، مترجم: کاوه دهگان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۷۶.
۳. آشنایی با نقد ادبی، عبدالحسین زرین کوب، تهران: سخن، ۱۳۷۴، ص ۲۵.
۴. هنر چیست؟، ص ۵۷.
۵. آشنایی با نقد ادبی، ص ۱۴.
۶. پیامبر(ص): آن کس خدا را می‌شناسد که خود را بشناسد». رک: کیمیای سعادت، ابوحامد غزالی، تهران: حکمت، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۳۳.
۷. رک: ادبیات و بازناب آن، ویلیام جی گریس، مترجم: بهروز غریب نژاد، تهران: سیما، ص ۱۵.
۸. موسیقی در ادبیات، طغرل طهماسبی، تهران: رهام، ۱۳۸۰، ص ۴.
- چند منبع مفید دیگر:
۱. ادبیات چیست؟، ژان پل سارتر، مترجم: ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: کتاب زمان، ۱۳۷۰.
۲. معنی ادبیات، علیرضا حافظی، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۰.
۳. معنی زیبایی، اریک نیوتن، مترجم: پرویز مرزبان، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
۴. معنی هنر، هربرت رید، مترجم: نجف دریا بندری، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸.
۵. چشم اندازی از ادبیات و هنر، رنه ولف و استین وارن و ادوارد مورگان فوستر، مترجم: غلامحسین یوسفی و محمدتقی (امیر) صدقیانی، تهران: معین، ۱۳۷۰.

شریک کرده‌اند و گاه با ارائه آثار ادبی متنوعی چون: شعر و ترانه، فیلم نامه، داستان، رمان و نمایش نامه، علاوه بر عاطفه و احساس، آگاهی‌ها و افکار و تجربیات خود را نیز منتقل کرده و جامعه را همدل و متحد ساخته و موجب پیشرفت‌های بزرگ مادی و معنوی شده‌اند؛ بدین طریق، گاه چنان تأثیر ماندگاری به جا گذاشته‌اند که موجب دگرگونی و تعالی اخلاق و فرهنگ نسل‌ها شده‌اند.

■ رسالت هنر

زمانی در دنیای غرب، بحث جنجال برانگیز «آیا زیبایی، جزء ذات هنر است یا خیر؟»، مطرح شد. عده‌ای معتقد بودند که اساساً هنر، تجربه زیباشناختی بشر از جهان است و برخی دیگر، بر این باور بودند که هنر، تجربه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌های جهان است. اما باید در نظر داشت اگر هنر، تنها وسیله‌ای برای کسب لذت و نشان دادن زیبایی باشد، بسیاری از آثار هنری ارزشمند - که به عنوان نمونه، فقر و تبعیض یا جنگ و مرگ و آوارگی را به تصویر می‌کشند از دایره هنر، خارج خواهند شد. گروهی دیگر از پیروان اخلاق، هنر را وسیله‌ای برای ارتقای کمالات بشر و کسب فضیلت و معنویت والای انسانی دانسته‌اند. به گفته لئو تولستوی: هنر، صرفاً تولید آثار دلپذیر نیست. مهم تر از همه، لذت نیست؛ بلکه وسیله ارتباط انسان‌هاست برای دوام حیات بشر و برای سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی. پس ضروری و لازم است؛ زیرا افراد بشر را با برانگیختن احساساتی یکسان، به یکدیگر پیوند می‌دهد».^۴

هنرمند، با ذهن پویای خویش، آثاری تازه می‌آفریند تا دریچه‌ای از دنیایی متفاوت را در مقابل چشم بینندگان بگشاید. هر جامعه‌ای می‌تواند از طریق بهره‌گیری از هنر خوب و سالم، با وجود تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، با همه مردم دنیا و در همه زمان‌ها، ارتباط و پیوند برقرار کند و با زبان هنر - که زبان مشترک و قابل فهم همگان است - به زندگی در جهان هستی - که جلوه‌ای از ذات حق است - معنا و مفهومی عمیق ببخشد.

■ رسالت ادبیات

تأثیرات عمیق و ارزشمند آثار خوب و سالم ادبی بر جامعه، بر هیچ کس پوشیده نیست و این آثار، با جامعه، پیوندی استوار دارند. ادبیات، به خاطر بیان و ترویج ارزش‌های اجتماعی و انسانی، برای کل جامعه بشری، مفید بوده است. رسالت ادبیات، آشنا کردن انسان با شیوه‌های زندگی بهتر و تلاش برای کمال

آیت الله العظمی
سید ابوالحسن اصفهانی

ساخت قطار

حاج مهدی بهبهانی که از تجار و محترمین عراق و سوریه بود و آثار خیری در حرم مقدس نجف اشرف و زینبیه دمشق داشت، و مورد احترام علما و مراجع بود، از طرف نوری السعید نخست وزیر آن روز عراق به محضر مبارک آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی شرفیاب گردید، و گفت: سفیر کبیر انگلستان قصد شرفیابی به خدمت شما دارد. آیت الله اصفهانی فرمودند: مرا به سفیر کبیر انگلستان چه کار؟ مرحوم حاج مهدی بهبهانی عرض کرد: آقا، نمی شود، عواقب وخیم دارد، لطفا اجازه بفرمائید به محضر شما بیایند. آیت الله اصفهانی (برای حفظ صلاح مسلمین) اجازه داد، ساعت معینی بنا شد نورالسعید (نخست وزیر عراق) همراه سفیر کبیر انگلستان به خدمت آیت الله اصفهانی، خصوصی مشرف شوند. آقای اصفهانی فرمود: اجازه می دهم در صورتی که مانند سایر مردم، عمومی و علنی به اینجا بیایند، آنها قبول کردند. مرحوم آیت الله اصفهانی، علما و بزرگان را به منزل دعوت کرد، و در آن ساعت معین، نخست وزیر عراق و سفیر انگلستان به خدمت آیت الله اصفهانی در یک مجلس علنی و عمومی شرفیاب شدند. سفیر انگلستان در کنار آقا نشست و پس از تعارفات معمولی و احوال پرسی، عرض کرد: دولت انگلستان نذر کرده که اگر در این جنگ (جهانی دوم) به آلمانی ها پیروز گردد، یک صد هزار دینار (معادل دو میلیون تومان آن روز) به خدمت شما تقدیم کنند تا در هر راهی که صلاح بدانید مصرف نمایند. آیت الله اصفهانی فکری کرد و سپس فرمود: مانعی ندارد (علماء و بزرگان مجلس همه خیره شده بودند و سخت متحیر که ببینند آقا، در این نیرنگ و دام بزرگ چگونه روسفید بیرون می آید). سفیر کبیر انگلستان، چکی معادل صد هزار دینار از کیف خود بیرون آورد و به آیت الله اصفهانی داد، آقا آن را گرفت و زیر تشک گذارد. (روشن بود که از این عمل آقا همه حاضران و علماء ناراحت شدند و قیافه ها درهم فرو رفت). ولی ناگهان لحظه ای بعد دیدند، آقا به سفیر فرمودند: در این جنگ، بسیاری از افراد (و مسلمین هند و...) آواره شدند و خسارات زیاد به آنها وارد شده، یک چک صد هزار دیناری از جیب بغل خود درآورد و ضمیمه چک سفیر کرد و به او داد، و فرمود: این وجه ناقابل است از طرف من به نمایندگی از مسلمین به دولت مطبوع خود بگوئید این وجه را بین خسارت دیدگان تقسیم کنند و از کمی وجه معذرت می خواهم. سفیر کبیر انگلستان وجه را گرفت و با کمال شرمندگی از جا برخاست و دست آقا را بوسید و بیرون رفت و به نوری السعید (نخست وزیر عراق) گفت: ما خواستیم با این کار قلب رئیس شیعیان را به خود متوجه کنیم و شیعیان را استعمار کرده و بخریم، ولی پیشوای شما ما را خرید و پرچم اسلام را بر بالای کاخ بریتانیا به اهتزاز درآورد این است یک نمونه از کیاست و تدبیر ضد استعماری یک مرجع تقلید عظیم شیعه در مقابل نیرنگ مرموز نماینده استعمار پیر انگلیس، که با کمال متانت انجام شد.

داستان دوستان / محمد محمدی آشتهاردی



◀ فریب روس‌ها از غرب

۱۳ آوریل سال ۱۹۴۵ ارتش شوروی شهر وین را تصرف کرد و ۹۰ هزار تن از نظامیان هیتلر را به اسارت گرفت. اتریش (سرزمین ژرمن‌نشین) در سال ۱۹۳۸ به آلمان پیوسته و یکی از ایالات آلمان (رایش سوم) شده بود. شوروی در جریان جنگ جهانی دوم، از زمان حمله ارتش هیتلر به آن کشور در ۱۹۴۱ تا تصرف برلین در آوریل ۱۹۴۵، نزدیک به ۲۷ میلیون کشته، تلفات داد؛ حال آنکه جمع کل تلفات آمریکا در دو جبهه اروپا و آسیا به نیم میلیون نفر هم نرسید. شکست نظامی هیتلر عمدتاً به دست ارتش شوروی صورت گرفت و این ارتش بود که برلین را تصرف کرد ولی در اواخر دهه ۱۹۸۰ غرب موفق به فریب دادن گورباچف و دستیارانش شد و هر آنچه را که شوروی از شکست هیتلر به دست آورده بود داوطلبانه از دست داد! گورباچف با انحلال پیمان ورشو موافقت کرد به این شرط که ناتو هم منحل شود که برخلاف انتظار، پس از فروپاشی اسرارآمیز شوروی، ناتو نه تنها منحل نشد بلکه گسترش یافت و به داخل شوروی سابق هم راه یافت و در همان پایگاه‌هایی که با پول روس‌ها در سه کشور بالتیک شوروی ساخته شده‌اند مستقر شد. وزیر دفاع روسیه در آوریل ۲۰۰۷ و ۱۶ سال پس از فروپاشی شوروی، برای نخستین بار اظهارداشت که در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ روس‌ها فریب غرب را خوردند و با ابطال پیمان ورشو و تخلیه اروپای شرقی از نیروهای خود موافقت کردند که دنباله آن فروپاشی شوروی بود. چند صاحب‌نظر در چهار روز گذشته در تفسیر توافق هفتم آوریل ۲۰۱۰ سران آمریکا و روسیه به کاهش دادن و مساوی کردن سلاح‌های هسته‌ای ۲ کشور و وسائل انتقال آنها نوشته‌اند که روس‌ها یک بار دیگر فریب خوردند زیرا که روسیه دارای ۱۲ هزار و آمریکا ۸ هزار سلاح اتمی است و تولید چهار هزار بمب و کلاهک شوخی نیست.

فروردین در گذر تاریخ



مصطلح شدن عبارت «جنگ سرد» بین بلوک شرق و غرب (۱۹۴۷م)

پس از جنگ جهانی دوم، بر سر مسائلی چون سرنوشت آلمان، اروپای خاوری و حکومت این کشورها و... اختلافاتی بین امریکا و هم‌پیمانانش با شوروی پدید آمد که باعث جنگ تبلیغاتی وسیعی علیه یک‌دیگر گردید. این جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی در نهایت توسط برنارد باروک، سیاست‌مدار امریکایی به عنوان جنگ سرد مطرح شد و این واژه از این زمان برای توصیف روابط شرق و غرب وارد فرهنگ سیاسی جهان گردید. به بیان دیگر جنگ سرد اصطلاحی است که نخستین بار در مورد جنگ روانی و تبلیغاتی بین شوروی و کشورهای کمونیست از یک طرف و کشورهای بلوک غرب از سوی دیگر به کار برده شد. در این جنگ، کشورهای متخاصم به جای توسل به زور و اقدام به جنگ، به تبلیغات و عملیات ایدئولوژیک علیه یک‌دیگر اکتفا می‌کنند. در جنگ سرد هم‌چنین حالت کشمکش دو کشور که هر یک می‌کوشد خود را قوی و کشور مقابل را ضعیف نشان دهد به وفور یافت می‌شود. در این میان، کشورهای بلوک شرق و غرب، پیمان‌های متعددی علیه هم منعقد کردند که انعقاد پیمان‌های ناتو، سیتو و پیمان‌های دوجانبه امریکا با کشورهای جهان سوم به منظور قرنطینه و محاصره بلوک کمونیست، و نیز پیمان ورشو در شرق، از جمله عوارض و جنبه‌های دیگر جنگ سرد به شمار می‌آیند. نخستین دوره جنگ سرد از سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۲م ادامه داشت و با مرگ رهبران پیشین امریکا و شوروی، دوره تازه جنگ سرد تا اوایل دهه ۱۹۹۰م نیز ادامه یافت. به طور کلی ویژگی‌های جنگ سرد عبارتند از: آماده سازی نیروهای نظامی دو طرف و مسلح شدن به سلاح‌های هسته‌ای، مبارزه تبلیغاتی بسیار فشرده در دو طرف، عدم انجام هیچ گفت‌وگوی موفقیت‌آمیزی بین طرفین و سرایت کشاکش کمونیسم و سرمایه‌داری به جهان سوم.

انحلال جامعه ملل پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۶م)

جامعه ملل نخستین سازمان بین‌المللی است که بعد از پایان جنگ اول جهانی به پیشنهاد وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور وقت امریکا و فرمان‌پاپ در دهم ژانویه ۱۹۲۰م شکل گرفت. ميثاق جامعه ملل در سال ۱۹۱۹م در کنفرانس صلح پاریس به تصویب رسید. ولی با عدم تصویب صلح ورسای از طرف کنگره امریکا، جامعه ملل بدون عضویت ایالات متحده امریکا شروع به کار کرد. مقر جامعه ملل در ژنو در کشور سوئیس و نخستین دبیر کل آن یک دیپلمات انگلیسی بود. جامعه ملل با عضویت ۴۹ کشور شروع به کار کرد و سیزده کشور دیگر نیز در طول حیات جامعه به آن پیوستند. با این حال این جامعه ملل در جلوگیری از وقوع جنگ جهانی دوم و دفع تجاوز ایتالیا به اتیوپی، تجاوز آلمان به اتریش، تجاوز ژاپن به چین و تجاوز شوروی به فنلاند به تدریج اعتبار خود را از دست داد و این مسئله سرآغاز نابودی جامعه ملل شد. از آن سو، کشورهای متجاوز برای این که تعهدی در قبال جامعه ملل نیز نداشته باشند به تدریج آن را ترک کردند و این امر بیش از قبل، ضعف جامعه را به دنبال آورد. مشکل اساسی کار جامعه ملل چنان که سازمان ملل بدان دچار است، نبودن ضمانتی برای اجرای قطعنامه‌های جامعه ملل بود و جامعه ملل نمی‌توانست دولت‌های بزرگ را وادار به پیروی از مقررات خود کند. در جریان جنگ دوم جهانی، جامعه ملل عملاً به حال تعلیق درآمد و در پایان جنگ با واگذاری مسئولیت خود به سازمان ملل، انحلال خود را در نوزدهم آوریل ۱۹۴۶م پس از حدود بیست و شش سال فعالیت اعلام کرد.



این غلام، از من سخی تر است!

از عبد الله بن جعفر - رضی الله عنه - آورده اند که روزی عزیمت سفری کرده بود. در نخلستان قومی فرود آمد که غلامی سیاه، نگاهبان آن بود. دید که سه قرص نان، به جهت قوت وی آوردند. سگی آن جا حاضر شد. آن غلام، یک قرص را پیش او انداخت، خورد. پس، دیگری را بینداخت. آن را هم بخورد. و پس دیگری را بینداخت. آن را هم بخورد.

عبد الله - رضی الله عنه - از وی پرسید که: «هر روز، قوت تو چیست؟». گفت: «آنچه دیدی». فرمود: «چرا وی را بر نفس خود، ایثار نکردی؟». گفت: «وی در این زمین، غریب است. چنین گمان می‌برم که از مسافت دور آمده است و گرسنه است. نخواستم که وی را گرسنه گذارم».

پس گفت: «امروز چه خواهی خورد؟». گفت: «روزه خواهم داشت». عبد الله با خود گفت: «همه خلق، مرا در سخاوت ملامت می‌کنند و این غلام، از من سخی تر است». آن غلام را و نخلستان را و هر چه در آن جا بود، همه را بخرید. پس غلام را آزاد کرد و آنها را به او بخشید.

جهانبان، در خیر، بر کس نیست
یکی در بیابان، سگی تشنه یافت
پرون از رمق در حیانش نیافت
کله دلو کرد آن پسندیده کیش
چو حبل اندر آن بست، دستار خویش
به خدمت، میان بست و بازو گشاد

سگ ناتوان را دمی آب داد
خبر داد پیغمبر از حال مرد
که داور، گناهان از او عفو کرد
آلا گر جفا کردی، اندیشه کن
وفا پیش گیر و کرم پیشه کن
یکی با سگی، نیکویی گم نکرد
کجا گم شود خیر با نیک مرد؟
کرم کن چنان کت براید ز دست
جهانبان، در خیر، بر کس نیست
به فنطار زر بخش کردن ز گنج
نباشد چو قیباطی از دست رنج
برد هر کسی بار، در خورد زور
گران است پای ملخ پیش مور.

سر در گم سرّ سحرّم مادر گل‌ها
دل مرده‌ی اسرار درم مادر گل‌ها
ای محور درد همه‌ی عالم و آدم
ای هاله‌ی احساس و کرم مادر گل‌ها
هم اسوه‌ی مهر و مدد و گوهر علمی
هم سوره‌ی طاهای حرم مادر گل‌ها
علامه دهری و سراسر همه عدلی
ای حامی و امدادگرم مادر گل‌ها
در معرکه گل کرده همی آه کلامی
گاهی سر و گاهی کمرم مادر گل‌ها
ای ماه دل آرای علی در دم مرگم
دل گرم طلوعی دگرم مادر گل‌ها

غزلی بی نقطه در وصف حضرت زهرا (س)





آبشارها قطعاً جزئی از عجایب طبیعی کره زمین می‌باشند. در این مطلب قصد داریم شما را با تعدادی از زیباترین آبشارهای جهان آشنا کنیم که حتی دیدن تصاویر آنها نیز نفس‌گیر است. هرچند اگر از نزدیک آنها را مشاهده نموده و صدای ریزش صدها تن آب را بشنوید، قطعاً احساسی کاملاً متفاوت خواهید داشت.

آبشار ویکتوریا، زیمبابوه

آبشار ویکتوریا یا Mosi-oa-Tunya آبشار بی‌نظیری است که در مرز کشور زیمبابوه با زامبیا قرار گرفته است. آب رودخانه زامبزی در خطی مستقیم به ارتفاع ۱۰۸ متر به پایین سرازیر می‌شود. پهنای این آبشار ۱۷۰۸ متر می‌باشد؛ در نتیجه میزان آبی که ریزش می‌کند بسیار بالا بوده و از کیلومترها دورتر هم صدای آب قابل شنیدن است.



آبشارهای ایگوآزو، آرژانتین

این آبشارها در مرز دو کشور آرژانتین و برزیل قرار گرفته‌اند. ارتفاع آنها چندان بلند نبوده و حدود ۸۷ متر است؛ اما از چشم انداز بسیار تاثیرگذاری برخوردار می‌باشند. در واقع ایگوآزو از ۲۷۵ آبشار کوچک تشکیل شده که به شکل نعل اسب قرار گرفته و تقریباً ۲۷۰۰ متر وسعت دارند.

آبشارهای کایتور (Kaieteur)، گویان

این آبشارها از ارتفاعی معادل ۲۲۶ متر برخوردار بوده و سپس به آبشارهای کوچک متعددی تقسیم می‌شوند. این منطقه توریست‌ها را از اقصای نقاط جهان را به سمت خود جذب می‌کند. مخصوصاً آندسته که عاشق سفر در میان طبیعت بکر و حیات‌وحش هستند؛ چرا که این آبشارها در میان منطقه‌ای خالی از سکنه قرار گرفته و هیچ دسترسی به مناطق شهری ندارند.



آبشار آنجل، ونزوئلا

این آبشار بلندترین آبشار جهان می‌باشد که از ارتفاع ۹۷۹ متری به پایین سرازیر می‌شود. بازدیدکنندگان پارک ملی کانایما (Canaima) که توسط یونسکو حفاظت می‌شود، از این آبشار هم دیدن می‌کنند. نام این آبشار برگرفته از نام خلبان آمریکایی، جیمی آنجل است که آن را کشف نمود.



آبشار نیاگارا، مرز آمریکا و کانادا

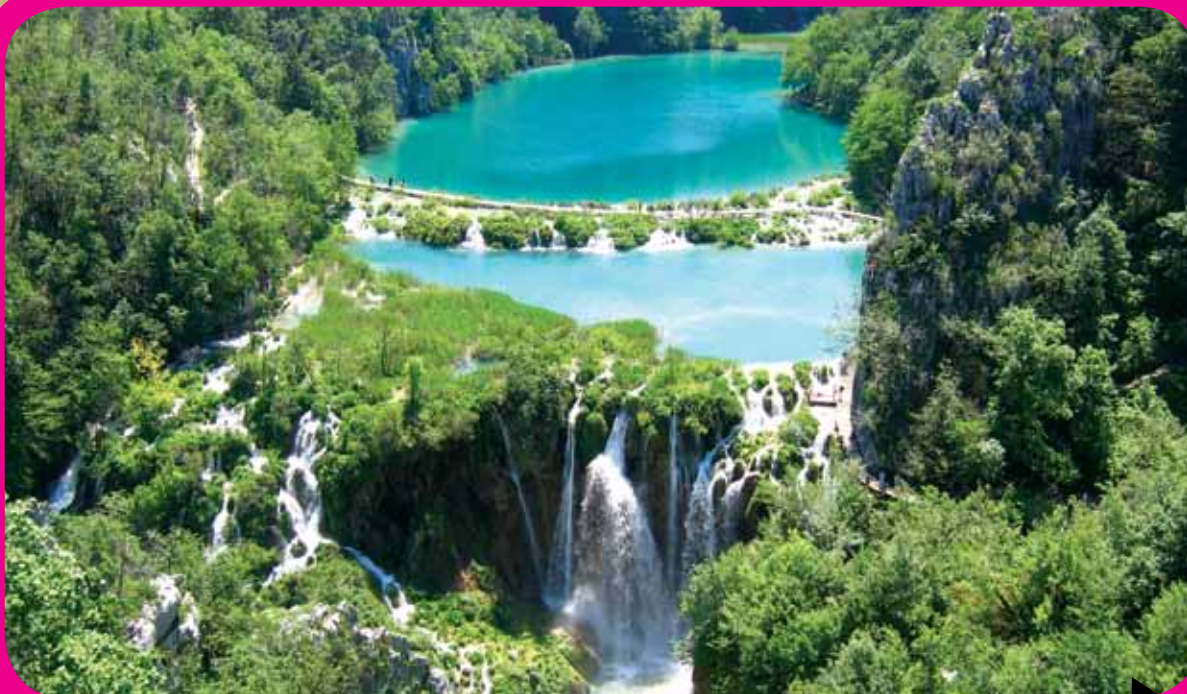
آبشار نیاگارا شاید معروف‌ترین آبشار جهان باشد. این آبشار مرز دو کشور آمریکا و کانادا را مشخص می‌کند. این آبشار از دو قسمت تشکیل شده؛ آبشار نعل اسبی که در بخش کانادایی آن قرار گرفته و آبشار آمریکایی که در بخش متعلق به ایالات متحده واقع شده است. این دو بخش توسط یک جزیره از یکدیگر جدا شده‌اند. آبشار نعل اسبی از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار می‌باشد؛ چرا که جریان آب در این نقطه از ارتفاع ۵۳ متری به پایین سرازیر می‌شود. این در حالی است که بخش آمریکایی نیاگارا بین ۲۱ تا ۳۰ متر ارتفاع دارد.



آبشار طلایی (Gull Foss)، ایسلند

این آبشار چشمگیر در جنوب غربی ایسلند واقع شده است. این آبشار ارتفاع چندانی ندارد (دو بخش ۲۱ و ۱۱ متری) اما از نظر چشم انداز بسیار زیباست. در یک نقطه از آن گویی رودخانه Hvítá در شکافی از نظر محو می‌شود.





آبشارهای پلیتویک، کرواسی

این آبشارها در پارک ملی پلیتویک در کشور کرواسی قرار گرفته است. در کل چندان مرتفع نمی‌باشند، اما به دلیل شکل‌گیری تعداد زیادی آبشار کوچک، جذابیت آنها برتری خود را نشان می‌دهد. در این نقطه صدها آبشار شکل گرفته‌اند که رنگ آنها از بلورین و شفاف تا لاجوردی و آبی فیروزه‌ای متغیر است.

آبشار یوسمیت، ایالات متحده

این آبشار، مرتفع‌ترین آبشار در آمریکای شمالی به شمار می‌رود. آب از ارتفاع ۷۳۹ متری به سیرا نوادا در ایالت کالیفرنیا سرریز می‌گردد. منبع آب این آبشار برف‌های ذوب شده است؛ در نتیجه گاه‌گداری در میان جریان رود، مقدار اندکی برف هم مشاهده می‌شود.





آبشارهای نوکالیکای (Nohkalikai)، هندوستان

معنای نام آن در زبان محلی «پریدن از کالیکای» است که اشاره به افسانه‌ای محلی دارد. ارتفاع این آبشار ۳۳۵ متر بوده و بلندترین آبشار کشور هند به حساب می‌آید. اگر چه رودخانه تغذیه‌کننده‌ی آن تنها ۲ کیلومتر امتداد دارد؛ اما این آبشار جذابیت خود را حفظ کرده است. یک استخر طبیعی در زیر این آبشار شکل گرفته که رنگ آب در آنجا مایل به سبز می‌باشد.

آبشارهای سودرلند (Sutherland)، نیوزیلند

این آبشارها در ناحیه فیورلند قرار گرفته‌اند. جریان آب این آبشارها از ارتفاع ۵۸۰ متری به پایین سرازیر می‌گردند؛ به طوری که به عنوان یکی از بلندترین آبشارهای جهان شناخته می‌شوند. این مجموعه آبشار سه تایی، چشم‌اندازی خاص به وجود آورده‌اند. این آبشارها پس از آنکه دونالد سودرلند در ۱۸۸۰ آنها را کشف کرد به این نام خوانده می‌شوند.



مسجد جدام امام حسین (ع)



◀ مراسم ولادت حضرت زینب(س)
۱۵ اسفند ۱۳۹۲

✚ میلاد با سعادت عقيله بنی هاشم حضرت زینب کبری (س)

به مناسبت جشنی با حضور مومنین نماز گزار و دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شب ولادت آن حضرت پانزدهم اسفند ماه در مسجد امام حسین (ع) برگزار گردید در این مراسم که با حضور پر شکوه دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت همراه بود حجت الاسلام رجایی خراسانی به بیان مقام آن حضرت پرداختند و به جوایزی اهدا گردید. پس از آن از همه حضار برای صرف شام دعوت به عمل آمد و همگان بر سر خوان اباعبد الله میهمان گردیدند.



◀ مراسم ولادت حضرت زینب(س)
۱۵ اسفند ۱۳۹۲



◀ مراسم ولادت حضرت زینب(س)
۱۵ اسفند ۱۳۹۲

جشن تکلیف



◀ جشن تکلیف مدارس پسرانه
مجتمع‌های سلمان فارسی، توحید و آداب ۱۲ اسفند ۱۳۹۲

در روز دوشنبه، دوازدهم اسفند ماه ۱۳۹۲ دانش آموزان پایه سوم راهنمایی مجتمع‌های سلمان فارسی، توحید آداب در مسجد امام حسین علیه السلام گرد هم آمدند و طی مراسمی خاص، رسیدن به سن و بندگی و عبادت را جشن گرفتند. در این مراسم حضرت آیت الله مدنی طی سخنانی پیرامون بندگی خدا، سن تکلیف به توضیح و شرح بخشی از تشهد نماز های پنج گانه (اشهد ان محمد عبده و رسوله) پرداختند. ایشان ضمن اعلام آمادگی مسجد برای پاسخگویی به سوالات دانش آموزان برای آنان توفیق بندگی و اطاعت از فرامین خدای متعال را آرزوی کردند. قبل از سخنرانی نماینده محترم ولی فقیه حجت الاسلام رضائی با اجرای برنامه‌ای دوره‌های زندگی انسان را توضیح و نکاتی در مورد قرآن کریم مطرح کردند و در مورد وظایف انسان مکلف و تقلید نکاتی را بیان داشتند. در پایان هدایایی از طرف مسجد و مجتمع‌های. آموزشی به دانش آموزان تقدیم شد.



◀ جشن تکلیف مدارس پسرانه
مجتمع‌های سلمان فارسی، توحید و آداب ۱۲ اسفند ۱۳۹۲



◀ جشن تکلیف مدارس پسرانه
مجتمع‌های سلمان فارسی، توحید و آداب ۱۲ اسفند ۱۳۹۲



◀ جشن تکلیف مدارس پسرانه
مجتمع‌های سلمان فارسی، توحید و آداب ۱۲ اسفند ۱۳۹۲



◀ جشن تکلیف مدارس پسرانه
مجتمع‌های سلمان فارسی، توحید و آداب ۱۲ اسفند ۱۳۹۲



ویژه سال الله‌الله عیها

دختری از جنس حیا و وقار ****
ساخته از رحمت پروردگار ****
نیک دل و نیک رخ و نیک خو ****
دختری از طایفه آبرو ****
جام جلالت ز ازل خورده ای ****
دل ز گلی همچو نبی برده ای ****
به که خدا بی بدلت ساخته ****
دلبر عالم به تو دل باخته ****

سالروز میلاد خجسته فاطمه زهرا (س) سرور بانوان جهان، عطای خداوند سبحان، کوثر قرآن، همتای امیر مومنان و الگوی بی بدیل تمام جهانیان بر همه مسلمانان مبارک باد.

✚ مراسم تحویل سال ۱۳۹۳

ز کوی یار می آید، نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل بر افروزی
به مسجد رو که از دامن، غبار غم بیافشانی
به گلزار آی کز بلبل، غزل گفتن بیاموزی

مراسم تحویل سال نو ابتدا با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید. پس از قرائت دعای کمیل و مداحی جناب آقای خدامی نوبت به استفاده از بیانات امام جمعه محترم آیت الله حاج سید محمود مدنی رسید ایشان به بیان معارف اهل بیت عصمت و طهارت پیرامون تحویل سال و تحویل و تحول روح و جان انسان ها پرداختند. پس از آن همه با دعای یا مقلب القلوب... آغاز سال جدید را جشن گرفتند.

در ادامه به فرمایشات مقام معظم رهبری گوش جان سپردند و عید را به یکدیگر تبریک گفتند. همه حضار شرکت کننده پس از آن با پخش شیرینی پذیرایی شده و بر سر سفره امام حسین (ع) با صرف میوه و شام میهمان گشتند.

روابط عمومی مسجد امام حسین (ع) / دب
اول فروردین ۱۳۹۳ ه.



◀ مراسم تحویل سال جدید
مسجد امام حسین (ع) / دب / فروردین ۱۳۹۳



◀ مراسم تحویل سال جدید
مسجد امام حسین (ع) / دب / فروردین ۱۳۹۳



◀ مراسم تحویل سال جدید
مسجد امام حسین (ع) / دب / فروردین ۱۳۹۳



◀ مراسم تحویل سال جدید
مسجد امام حسین (ع) / دب / فروردین ۱۳۹۳



❖ اردوی کلاس‌های قرآن و عترت
۲۲ اسفند ۱۳۹۲



❖ اردوی کلاس‌های قرآن و عترت
۲۲ اسفند ۱۳۹۲



❖ تشرف به آیین اسلام / مسجد امام حسین / دبی ۱۳۹۲



❖ تشرف به آیین اسلام / مسجد امام حسین / دبی ۱۳۹۲



❖ تشرف به آیین اسلام / مسجد امام حسین / دبی ۱۳۹۲



❖ تشرف به آیین اسلام / مسجد امام حسین / دبی ۱۳۹۲



بانو <



رازهای خانه تکانی در ۲ روز



شک نداشته باشید که خانه‌تکانی علمی، به‌مراتب ساده‌تر از خانه‌تکانی‌های سنتی است و وقت کمتری از شما می‌گیرد. به احتساب این برنامه‌ریزی علمی امسال می‌توانید ۲ روزه خانه‌تکانی کنید! امتحانش مجانی است. اگر فکر می‌کنید خانه‌تکانی و حتی فراتر از آن خانه‌داری یک کار سنتی و بدون اصول و قاعده است، سخت در اشتباهید! متخصصین مدیریت، مشاوران طراحی سیستم‌های مدیریتی، مدیریت آموزش و... به شما می‌گویند چطور با یک مدیریت استراتژیک و ضمن رعایت نکات ساده اما علمی می‌توانید مثل یک کارشناس خانه‌تکانی کنید و از بازدهی کارتان لذت ببرید. شک نداشته باشید که خانه‌تکانی علمی، به‌مراتب ساده‌تر از خانه‌تکانی‌های سنتی است و وقت کمتری از شما می‌گیرد. به احتساب این برنامه‌ریزی علمی امسال می‌توانید ۲ روزه خانه‌تکانی کنید! امتحانش مجانی است.

۱. زمان‌تان را مدیریت کنید

فرهنگ، پدیده پویایی است متشکل از خرده فرهنگ‌های متعدد و در حال تغییر، همگام با شرایط روز، بنابراین همان‌طور که شرایط زندگی ما تغییر می‌کند خانه‌داری هم به‌عنوان بخشی از خرده فرهنگ‌ها همگام با شرایط روز جامعه باید تغییر کند. در غیر این صورت باید همچنان هر سال روزها و هفته‌های پایانی سال را به جبران اشتباهاتی اختصاص دهیم که از قضا هر سال هم تکرار می‌شود. یک نگاه مدیریتی و دقیق بر امور خانه و یک برنامه‌ریزی مرتب، منسجم و مستمر، تمام اعضای خانه را از داستان تکراری و پردردسر خانه‌تکانی‌های چندروزه پایان



و دستمال، شروع کنید به تمیز کردن پنجره. اما در نگاه مدیریتی و گام به گام موردنظر ما، همین شیشه پاک کردن ساده از این قرار است: ابتدا باید به چهارپایه فکر کنید. چهارپایه‌ای که با ارتفاع پنجره شما هماهنگ باشد، به ماده شیشه‌شویی که برای پاک کردن نیاز دارید، اینکه چه مقدار و چطور باشد. به دستمال خیس و حتی یک دستمال خشک برای پاک کردن نهایی و... گام بعدی هم در نظر گرفتن احتمال هاست. احتمال اینکه زمان باز کردن پرده ممکن است با مشکل کنده شدن گیره مواجه شوید یا حتی پاره شدن احتمالی پرده‌ای که بر اثر تابش مستقیم آفتاب نخ نما شده است. با در نظر گرفتن همه این موارد و احتمالات، در زمان اجرا همه چیز طبق برنامه پیش می‌رود؛ دقیق و حساب شده. مثلاً کوتاه بودن چهارپایه برنامه شما را به تعویق نمی‌اندازد یا حتی کنده شدن گیره شما را دچار مشکل نمی‌کند، چون شما از پیش به تمام این موارد فکر کرده‌اید.

۶. گام بعدی برنامه‌ریزی

قدم بعدی، نوشتن نکته به نکته کارهایی است که به آنها فکر کرده‌اید و باید آنها را اجرا کنید. نوشتن مرحله مهمی است که ما بیشتر از آن غافل می‌شویم. بدون نوشتن همیشه فکر می‌کنیم کاری نداریم! باید لوستر را تمیز کنیم، پرده را بشوییم، پنجره را پاک کنیم، جارو و تی بکشیم. یعنی روی هم رفته باید ۴ یا ۵ مورد فعالیت انجام بدهیم که به سادگی از پس آنها بر می‌آییم! اما اشتباه همین جاست، چون وقتی وارد فضای کار می‌شوید، تازه می‌بینید کارهایی که باید انجام بدهید، خیلی بیشتر از اینهاست، اما چون ننوشتید و جزء به جزء نکرده بودید، به مرحله اجرا که می‌رسید با مشکل روبه‌رو می‌شوید! شیوه درست این است که هر کاری را قبل از انجام در مرحله فکر کردن (همان ۸۰ درصد اولیه) یک‌بار تمام و کمال در ذهن‌تان انجام دهید و جزء به جزء را در مرحله بعدی یادداشت کنید.

۷. دقت در نوشتن

دقت در نوشتن جزئیات به اندازه خود مرحله نوشتن مهم است. دقت یعنی اینکه باید بدانید مثلاً برای انجام کاری مثل شست‌وشوی فرش یا کابینت، به کمک چند نفر نیاز دارید. آیا نیروی کمکی می‌تواند فرزندتان باشد یا به نیروی همسرتان نیاز دارید؟! به طور کلی یک بخش از این جزئیات شامل این می‌شود که بدانید در انجام یک کار به‌خصوص، به چه ابزاری و چه نیروهایی نیاز دارید. بخش دیگر هم اینکه فردی که قرار است به شما کمک کند، باید چه توانمندی‌هایی داشته باشد.

سال خلاص می‌کند. در قدم اول به آشنایی با مفهوم مدیریت زمان نیاز داریم. برای آشنایی با این مفهوم باید با اصول صحیح برنامه‌ریزی و اجرای درست آن آشنا شویم.

۲. قدم اول برای مدیریت زمان

قدم اول در مدیریت، برنامه برای زمان است، اما برنامه‌ریزی‌ای کاملاً متفاوت با آنچه تاکنون به‌عنوان برنامه‌ریزی در ذهن‌تان داشتید. با شنیدن عنوان برنامه‌ریزی، همه فکر می‌کنیم کافی است بدانیم در ساعت‌ها یا روزهای آتی چه کاری قرار است انجام دهیم؛ حال آنکه مشکل اصلی در اجرایی نشدن برنامه‌ها هم همین جاست! برنامه‌ریزی برای رسیدن به نتیجه درست نیاز به یکسری مهارت‌ها دارد و کلیدی‌ترین بخش آن هم فکر کردن است؛ فکر کردن به کاری که قصد داریم برای آن برنامه‌ریزی کنیم. باید به تمام جزئیات فکر کنیم و البته احتمالات را در نظر بگیریم. از دراختیار داشتن قلم و کاغذ برای نوشتن ریز برنامه تا خرید وسایل موردنیاز مثلاً نردبان برای دسترسی به وسایلی که در ارتفاع قرار دارند.

۳. ۸۰ درصد فکر، ۲۰ درصد اجرا!

در انجام هر کار، از امور خانه‌داری گرفته تا خانه‌تکانی، اگر قرار است کاری درست و با مدیریت زمان انجام شود، باید ۸۰ درصد از زمان آن را به برنامه‌ریزی اختصاص دهید. فکر کردن به جزئیات و در نظر گرفتن احتمالات، همه شامل همین زمان ۸۰ درصدی می‌شود. دقت کنید که ۸۰ درصد از کل روند موردنیاز برای انجام یک کار؛ یعنی اگر قرار است کاری را در یک روز انجام دهید، باید ۸۰ درصد از یک روز و اگر یک برنامه ۱۰ روزه در پیش دارید، ۸ روز از آن را به برنامه‌ریزی و فکر کردن اختصاص بدهید.

۴. چرا ۲ روزه می‌توانیم؟!

عجله نکنید. تصور اینکه ۸ روز از ۱۰ روزتان را به فکر کردن اختصاص دهید و فقط در ۲ روز همه کارها را انجام بدهید، اصلاً ساده نیست. اما عملی است مشروط بر اینکه یک برنامه‌ریزی اصولی داشته باشید. باید در ۸ روز گام‌به‌گام کارها را تعریف کنید و درمورد تک‌تک آنها فکر کنید؛ حتی به احتمالات!

۵. برنامه‌ریزی برای پاک کردن شیشه‌ها

حق با شماست. در شیوه‌های معمول برنامه‌ریزی، نیازی به فکر کردن با این دقت نیست؛ چون مثلاً برای تمیز کردن شیشه کافی است با یک سطل آب

ادامه دارد ...

والدین موفق

مادر نمونه

نیازهای عاطفی کودک / نیازهای جسمی
نیازهای علمی / نیازهای تربیتی / مدیریت خوب

در شماره قبل گفتیم خداوند عشق والدین و به خصوص مادر به فرزند را به ویژه در دوران کودکی را به صورت غریزی در نهادشان قرار داده زیرا سرپیچی از حکم غریزه بسیار نادر و مشکلاست و او با این تدبیر خود از تلافیدن کودک به وسیله والدین، جلوگیری و پیشگیری کرده است. سپس به اختصار به ویژگی های مادر نمونه پرداختیم، و وظایف و او صافی که هر مادر در رابطه با فرزندان خود دارد و یا باید بدان متصف باشد را در اشاره کردیم.

ب: رفتار عادلانه

برخی مادران و یا پدران، گاهی بی دلیل موجه بعضی از فرزندان خود را بر برخی دیگر ترجیح داده و رفتار محبت آمیزتری را با او دارند، و به ویژه این توجه بیشتر - که گاهی خیلی هم مایه عذاب و اذیت برای برخی خانواده ها می شود - وقتی اتفاقی می افتد که پس از یک فرزند خردسال، نوزاد دیگری متولد می شود که معمولاً در این صورت کودک بزرگتر به دست فراموشی سپرده می شود و همه توجه ها به سوی دومی گسیل می گردد و در نزاع ها و برخوردهای کودکانه گرچه دومی مقصر باشد همیشه حق به او داده می شود، و اولی را به بهانه این که تو بزرگ هستی، از حق خود محروم می کنند، و بازتاب چنین رفتاری بسیار روشن است. در صورتی که با توجه به این که به خصوص در ماه های اول تولد نوزاد، که هم شروع دوران تازه و فصل جدیدی از نوع رابطه والدین با کودک اولی است و طبعاً از حساسیت بیشتری برخوردار است و از طرف دیگر اظهار محبت به نوزاد نیز تأثیر چندانی بر او ندارد، باید بیشتر توجهات و ابراز علاقه ها معطوف به کودک نخستین شود، تا او احساس نکند که با آمدن دیگری، همه چیز از او گرفته شده و دیگر توجهی به او نمی شود. این رفتار هم از میزان ناهنجاری ها و بهانه جویی های او می کاهد و هم رابطه آینده او با کودک تازه وارد را به خوبی شکل می دهد.

در روایت آمده است: «رسول گرامی صلی الله علیه و آله روزی مردی را که دارای دو فرزند پسر بود، دیدند که فقط یکی از آن دو را بوسید حضرت فرمودند: چرا با هر دو به یک گونه عمل نکردی؟»^۶ و باز در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است: «اعدلوا بین اولادکم كما تحبون أن يعدلوا بینکم فی البرِّ و اللطف.» بین فرزندان خود همچنان که دوست دارید آنها با شما به عدالت رفتار کنند، عادلانه عمل کنید.^۸

ج: فراهم کردن محیطی آرام

فراهم کردن محیطی آرام برای فرزندان در سایه تفاهم با همسر و خویشان نکته ای قابل توجه این است که در مورد زن و یا مادر و یا همسر نمونه نمی توان هر یک را جدای از دیگری به حساب آورد. یک زن نمونه نمی تواند

مادر و یا همسر نمونه نباشد همچنان که مادر نمونه الزاماً همسر نمونه هم هست، چون تا زن در همسری، شایسته نباشد قادر نیست به وظایف مادری قیام کند. قربانی اصلی زندگی های پر جنجال و با روابط ناسالم، فرزندان اند. اگر خانمی بتواند حتی الامکان محیط خانواده را آغشته به محبت و تفاهم کند و از کم و کاستی های زندگی چشم پوشی کند و خلأ های معیشتی را از جریان اطلاع فرزندان خود دور سازد و در چشم آنان زندگی مشترک خود با شوهر و فرزندان را موفق جلوه دهد و روح قناعت و سازش را در وجدان آنان تقویت کند و روابطی سالم با اقوام خود و شوهر برقرار سازد، چنین زنی بالاترین خدماتها را به بچه های خود کرده و خود نیز از آثار آن بهره مند است.

د: حوصله و متانت در برخورد با ناهنجاری های کودک

انسان در هر دوره ای از حیات خود طبیعت و اقتضای خاص به خود دارد، بسیاری اذیت و شیطنت کودکان را به حساب بدی او می گذارند و به سرعت در برابر لجبازی، بهانه گیری و شیطنت های کودکانه آنان برآشفته شده و آنها را به باد کتک می گیرند. این کار گذشته از این که ستم به کودک بوده و شرعاً و اخلاقاً درست نیست، آثار بد تربیتی داشته و بر سرکشی و ناهنجاری های کودک می افزاید. باید توجه داشت فرزند در سنین کودکی نارسایی عقلی دارد. او توجه به زشتی کار خود ندارد و به طبیعت خود عمل می کند. نه با اراده و قصد اذیت. در روایتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا تضربوا اطفالکم علی بکائهم فان بکائهم اربعة اشهر شهادة ان لا اله الا الله و اربعة اشهر الصلاة علی النبی و آله و اربعة اشهر الدعاء لوالدیه»؛ کودکان خود را به جهت گریه آنها کتک نزنید زیرا گریه آنان تا چهار ماه شهادت به توحید و چهار ماه صلوات بر محمد و آل محمد و چهار ماه دیگر نیز دعای خیر برای والدین شان است.^۹ مرحوم صاحب وسائل هم طبق این حدیث فتوا داده است که این عمل شرعاً جایز نیست.^{۱۰}

ه: تربیت مذهبی

داشتن روحیه مذهبی و اعتقادات و ایمان درست و سالم، گذشته از این که تأمین کننده سعادت انسان در زندگی اصلی و ابدی اوست، کمک کار بسیار خوب و

ادامه از شماره قبل...



به والدین خود هموار سازد.

۳. نیازهای علمی

الف: پی گیری وضعیت درسی و میزان پیشرفت علمی و کمک لازم به فرزندان در این زمینه.
ب: ارتباط مستمر و به موقع با مربیان و مدرسه.

۴. نیازهای تربیتی

الف: ایجاد روح شجاعت، سخاوت، محبت به دیگران، اعتماد به نفس در فرزندان.
ب: کنترل رفت و آمد و نظارت همراه با ظرافت و دقت بر رفتار آنان در ارتباط با محیط بیرون از منزل و دوستان و راهنمایی دلسوزانه و همراه با محبت و تدبیر در این خصوص.
ج: ایجاد ارتباط صمیمی با فرزند به گونه ای که او بهترین محرم اسرار خود را مادر خود بداند.

۵. مدیریت خوب

به ویژه در ایجاد جو تفاهم و دوستی بین فرزندان و عدم تبعیض و رفتار دوگانه با عروس ها و دامادها مگر بر اساس ارزش ها.

۶. تشویق به احترام به پدر و مادر

و در نهایت از مهمترین ویژگی مادر نمونه آن است که به گونه ای با فرزندان خود رفتار کند که آنان را به نیکی به پدر و مادر تشویق کند و احترام خود را نزد آنها حفظ کند و بدین وسیله راه را نسبت به خدمت گذاری و کمک خالصانه آنان به والدین خود هموار سازد.
امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند که آن حضرت فرمودند: «رحم الله والدین اعانا ولدھما علی برھما»؛ خداوند پدر و مادری که فرزندان خود را - با رفتار و تربیت خود - نسبت به نیکی به خویش کمک می کنند در رحمت خود وارد می کند.^{۱۲}

پی نوشت ها

۷. همان.

۸. همان.

۹. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۶۳، ص ۱۷۱.

۱۰. همان.

۱۱. همان، ۸۳، ص ۱۹۴.

۱۲. همان، ب ۶، ج ۴، ص ۱۹۸.

منبع: مجله پیام زن، شماره ۱۰۱، «سیدمهدی موسوی کاشمیری»

تکیه گاهی بسیار مطمئن، برای او در دستیابی به اهداف حیات کنونی اوست. خداشناس واقعی و عارف به وظیفه، قطعا بهترین پدر و یا مادر برای فرزندان و شایسته ترین همسر برای زن و یا شوهر و صالح ترین و خدمتگزارترین فرزند برای والدین و مفیدترین انسان برای جامعه خود خواهد بود. و چه خدمتی از این بالاتر که مادری بتواند از همان ابتدای دوران کودکی، شاهد حلاوت نماز و ذکر و یاد خدا را در کام فرزند خود بچشاند و آفریدگار او را به او بشناساند و جان او را با مبدأ هستی پیوندی پایدار بخشد؟ و چنین مادر و پدری جز بهشت برین، چیزی پاداش حقیقی او نتواند بود.

درباره مزد چنین کسی، حضرت امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می فرماید که آن حضرت فرمودند: «هر کس فرزند خویش را ببوسد خداوند حسنه ای برایش می نویسد و هر کس او را خوشحال کند خداوند او را در قیامت خوشحال خواهد کرد و هر کس آیات قرآنی به او تعلیم دهد در قیامت آن والدین را می طلبند و دو جامه بهشتی به آنان می پوشانند که از نور آن دو صورت های بهشتیان درخشیدن می گیرد.»^{۱۱}
مادر نمونه ویژگی های دیگری نیز در رابطه با فرزندان خود دارد که برای رعایت اختصار فهرست وار آن را بیان می کنیم.

۲. نیازهای جسمی

مادر گذشته از رسیدگی به نیازهای عاطفی کودکان خود نیازهای جسمی آنان را نباید دست کم به حساب آورد. و آنها عبارتند از:
در روایتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «کودکان خود را به جهت گریه آنها کتک نزید زیرا گریه آنان تا چهار ماه شهادت به توحید و چهار ماه صلوات بر محمد و آل محمد و چهار ماه دیگر نیز دعای خیر برای والدین شان است.»
الف: امکان بهره گیری کامل کودک از شیر مادر
وظیفه ای که در این خصوص بر دوش مادر است - گذشته از این که نباید کودک خود را به علت برخی ملاحظات راحت طلبانه از خوردن شیر خود محروم کند - این است که با تقویت و تغذیه سالم خود تلاش در جهت افزایش شیر خود کند تا امکان هر چه بیشتر استفاده کودک از شیر مادر را فراهم سازد.
ب: بهداشت و نظافت به موقع کودکان
ج: تغذیه سالم و به موقع آنها
د: فراهم آوردن تفریحات سالم برای فرزندان.

از مهمترین ویژگی مادر نمونه آن است که به گونه ای با فرزندان خود رفتار کند که آنان را به نیکی به پدر و مادر تشویق کند و احترام خود را نزد آنها حفظ کند و بدین وسیله راه را نسبت به خدمت گذاری و کمک خالصانه آنان



نان سیر بروسکتا

مواد لازم

- نان باگت / به مقدار لازم
- گوجه فرنگی / ۳ عدد
- سیر / ۴ الی ۵ عدد
- روغن زیتون / به میزان لازم
- ریحان خرد شده / ۳ الی ۴ قاشق غذا خوری
- پنیر موزارلا / ۱۸۰ الی ۲۰۰ گرم

قسمت گوشتی گوجه فرنگی خرد کنید. سیر رنده شده را گوجه فرنگی و ریحان خرد شده و مقدار کمی نمک و پنیر مخلوط کرده، سپس روغن زیتون اضافه کنید تا حدی که همه مواد به روغن آغشته شود. در یک ظرف در بسته به مدت یک الی دو ساعت در یخچال بگذارید. حلقه‌های نان باگت را در سینی فر بچینید و روی نان‌ها را دوباره روغن زیتون بزنید و مواد آماده شده را روی نان‌ها بریزید. فر را با ۱۸۰ درجه سانتیگراد گرم کنید و سینی را در قسمت وسط فر به مدت ۱۵ الی ۲۰ دقیقه بگذارید تا زمانی که نان برشته و پنیر آب شود. از فر در آورده و در صورت تمایل با سس میل کنید. من به علت در دسترس نبودن ریحان در این فصل، از جعفری استفاده کردم. نان سیر بروسکتا یک اسنک یا پیش غذا (اشتها آور) ایتالیایی است.



خرما اکسیر بازیافت انرژی و جوانی



طبع خرما گرم و خشک است؛ برای رفع خشونت و نرم کردن سینه ۵۰ گرم خرما در آب جوشانده صاف کرده روزی دو تا سه استکان بخورید، البته این برای افراد سرد مزاج بسیار خوب است، برای تقویت کلیه از شربت استفاده کنید، کسانی که درد کمر یا درد مفاصل دارند، می‌توانند از شربت خرما که در شماره دو آمده است، استفاده کنند، اگر خرما یا شنبلیله خورده شود برای سنگ مثانه مفید است. برای تقویت نیروی جسمانی خرما را در شیر تازه خیس کرده کمی دارچین بزنید و صبح به عنوان صبحانه بخورید و سپس کمی شیر بعد از آن میل کنید، البته برای گرم مزاجان زیاد خوب نیست، کسانی که می‌خواهند سنگ مثانه شان خرد شود از دم کرده آن استفاده کنند. کسانی که یبوست دارند، سعی کنند هنگام استفاده از دم کرده خرما از غذاهای ساده و ملین استفاده کنند، به خاطر وجود ویتامین B در خرما میوه خوبی برای تعادل اعصاب و نیز سبب رشد است، فسفری که در خرما وجود دارد سبب سر زنده نگهداشتن سلول‌های عصبی می‌شود و برای کمبود آهن بسیار مفید است.

● خواص داروئی خرما تأثیر خرما بر بیماری‌های اعصاب

پتاسیم در این میوه به میزان قابل توجهی موجود است که برای جلوگیری از پرفشاری خون و برای کار صحیح عضلات و اعصاب ضروری است که به هم خوردن آن در بدن، بسیار خطرناک است. علاوه بر آن، خرما حاوی میزان قابل توجهی منیزیم است که برای اعصاب و عضلات ضروری است.

● نقش ویژه خرما در خون‌سازی

خرما مقدار قابل توجهی فولات یا همان اسیدفولیک به بدن می‌رساند که برای خون‌رسانی برای بدن لازم است و زنان هنگام بارداری مجبور می‌شوند، علاوه بر دریافت فولات از طریق غذا، قرص آن را نیز مصرف کنند. فولات به عنوان ماده خون‌ساز در خرما موجود است، هر چند که مقدار آهن خرما آن چنان زیاد نیست، اما برای خون‌سازی، بدن احتیاج به سه ماده مغذی فولات، آهن و ویتامین B۱۲ دارد که در غذاهای حیوانی یافت می‌شوند، بنابراین برای این منظور باید از غذاهای متنوع استفاده کرد. ویتامین C یکی دیگر از مواد مغذی خرما است که این ویتامین برای جلوگیری از بیماری‌های خطرناک خونریزی دهنده یا همان اسکوروبوت لازم است و باید بدن هر فرد در طول روز، ۶۰ میلی گرم ویتامین C دریافت کند که تقریباً در هر ۱۰۰ گرم خرما ۱۴ میلی گرم ویتامین C موجود است.

■ ادامه شماره بعد

خرما دارای خواص بسیار زیادی از جمله بازگشت انرژی و جوانی از دست رفته است که در قرآن و دیگر کتاب‌های مقدس نیز به خواص این میوه شفاعت‌بخش اشاره ویژه شده است. این روزها مناطق جنوبی و شرقی استان درگیر برداشت محصول خرما می‌باشند و این محصول دارای خواص بسیار زیادی از جمله بازگشت انرژی و جوانی از دست رفته است. درخت خرما خواص بی‌شماری دارد و می‌توان گفت که از تمام قسمت‌های این درخت می‌توان استفاده کرد و یک ضرب المثل عربی می‌گوید که خواص درخت خرما به اندازه روزهای سال است.

مردم صحرا هسته درخت خرما را در آورده و از آن نان می‌پزند این هسته را بو داده و از آن به عنوان قهوه استفاده می‌کنند، چرا که دم کرده آن بسیار مطبوع است یا حتی آن را در آب برای چند روز خیس کرده و به عنوان غذای مقوی به شترهای خود می‌دهند و معتقدند که این غذا از گندم و جو مقوی‌تر است. اثر دیگر معجزه آسای هسته خرما از بین بردن تورم پلک‌های چشم است؛ برای این منظور پمادی از هسته خرما درست کرده و آن را روی چشم می‌گذارند؛ این پماد برای رشد مژه‌های چشم نیز بهترین دارو است. در زمان‌های قدیم همواره خرما را برای قدرت و انرژی به کار می‌بردند و هنوز بهترین میوه برای بازیافتن انرژی و قدرت جوانی است. گل‌های درخت خرما نیز خاصیت دارویی دارند و همچنین طعم گل‌های درخت خرما تلخ بوده و اثر مسهلی دارد.

● خواص خرما از دید پزشکان

در خرما، مقداری فیبر غذایی موجود است، فیبر موجود در خرما برای سلامت دستگاه گوارش و تغذیه بسیار مناسب است، علاوه بر آن خرما حاوی کاروتنوئیدها یا مواد رنگی است که پیش‌ساز ویتامین A و آنتی‌اکسیدان محسوب می‌شود و جلوی ضایعات و سرطانی شدن سلول‌ها را می‌گیرد. خرما در درمان یبوست، اختلالات روده‌ای، مشکلات قلبی و اسهال مفید است و جزو مواد غذایی ملین به شمار می‌آید. به همین دلیل برای افرادی که از یبوست رنج می‌برند، مفید اعلام شده است، برای اینکه هر چه بهتر و بیشتر از این خاصیت خرما استفاده کنید، بهتر است خرما را یک شب کامل در آب خیس کنید و صبح روز بعد خرمای خیس خورده را مانند شربت مصرف کنید. بعضی از انواع نخل‌ها میوه شان وقتی رطب هستند، چیده و استفاده می‌شود؛ مثل رطب مضافتی و کبکاب «زرد طلایی» و بعضی دیگر باید بعد از مرحله رطب، ۲۰ روز در گرمای خرمایزان مناطق گرمسیر بر سر نخل بماند تا نیمه خشک شود که به آن خرما می‌گویند، مثل خرمای نیمه خشک زاهدی و پیارم؛ البته بعضی از انواع خرمای نیمه خشک را کاملاً خشک کرده و به بازار می‌فرستند.



● ترکیبات شیمیایی خرما

خرما ویتامین هایی مانند A، B، C و E دارد و حاوی مقادیری املاح مدنی است. خرما ۳۰۰ کالری انرژی، دو گرم پروتئین، ۶۰/۰ گرم چربی، ۶۰ میلی گرم گوگرد، ۵۰ میلی گرم فسفر، ۵۰ میلی گرم پتاسیم، ۶۵ میلی گرم منیزیم، ۷۰ میلی گرم کلسیم، دو میلی گرم آهن و ۲/۲ میلی گرم نیاسین و مقدار کمی سدیم دارد. یک متخصص تغذیه در این زمینه گفت: در ۱۰۰ گرم خرما ۱۲۵ کیلو کالری موجود است و این در حالی است که در هر ۱۰۰ گرم قند، ۴۰۰ کیلو انرژی موجود است و مقدار انرژی ناشی از خوردن خرما از قند ساده بسیار کمتر است و بسیار کمتر از قند، افراد را دچار چاقی و اضافه وزن می کند. محمد بیرجندی افزود: ۱۰۰ گرم خرما حاوی ۵/۱ درصد پروتئین گیاهی از جنس مرغوب است و در خرما، مقداری فیبر غذایی موجود است که این مقدار فیبر موجود در خرما برای سلامت دستگاه گوارش و تغذیه بسیار مناسب بوده و علاوه بر آن کارتنوئید یا مواد رنگی در خرما است که پیش ساز ویتامین A و آنتی اکسیدان محسوب می شود که جلوی ضایعات و سرطانی شدن سلول ها را می گیرد.

● خرما در هرم غذایی

خرما از ارزش غذایی خوبی برخوردار است و باید آن را در هرم مواد غذایی میوه به حساب آورد. با توجه به کوچکی هر عدد خرما، هر واحد آن شامل دو تا سه عدد خرما است که چنانچه براساس نیاز روزانه دو تا سه واحد میوه می خورید، می توانید این تعداد را به جای یکی از این واحدهای میوه استفاده کنید. به یاد داشته باشید که خرما به علت داشتن قند زیاد که بخش بیشتر آن قند ساده است در صورت مصرف زیاد و با افزایش انرژی مصرفی ممکن است، سبب چاقی شود، افراد دیابتی یا کسانی که سابقه دیابت در خانواده آنان وجود دارد باید تعادل را در مصرف خرما حفظ کنند.

● مضرات خرما

نباید در مصرف خرما زیاده روی کرد، چرا که مصرف بسیار بالای آن موجب آسیب به کبد و طحال، افزایش فشارخون، جوش دهان و پوسیدگی دندان ها می شود. در خوردن آن افراط نکنید، چرا که دارای قند زیادی است در این صورت آنهایی که لوزالمعده حساس دارند یا آنهایی که بیماری قند در خانواده آنها وجود دارد باید کمتر از این میوه استفاده کنند.



● خواص دارویی خرما

تأثیر خرما بر بیماری های اعصاب

پتاسیم در این میوه به میزان قابل توجهی موجود است که برای جلوگیری از پرفشاری خون و برای کار صحیح عضلات و اعصاب ضروری است که به هم خوردن آن در بدن، بسیار خطرناک است. علاوه بر آن، خرما حاوی میزان قابل توجهی منیزیم است که برای اعصاب و عضلات ضروری است.

● نقش ویژه خرما در خون سازی

خرما مقدار قابل توجهی فولات یا همان اسیدفولیک به بدن می رساند که برای خون رسانی برای بدن لازم است و زنان هنگام بارداری مجبور می شوند، علاوه بر دریافت فولات از طریق غذا، قرص آن را نیز مصرف کنند. فولات به عنوان ماده خون ساز در خرما موجود است، هر چند که مقدار آهن خرما آن چنان زیاد نیست، اما برای خون سازی، بدن احتیاج به سه ماده مغذی فولات، آهن و ویتامین B ۱۲ دارد که در غذاهای حیوانی یافت می شوند، بنابراین برای این منظور باید از غذاهای متنوع استفاده کرد. ویتامین C یکی دیگر از مواد مغذی خرما است که این ویتامین برای جلوگیری از بیماری های خطرناک خونریزی دهنده یا همان اسکوربوت لازم است و باید بدن هر فرد در طول روز، ۶۰ میلی گرم ویتامین C دریافت کند که تقریباً در هر ۱۰۰ گرم خرما ۱۴ میلی گرم ویتامین C موجود است.

● بهترین شیوه برای چاقی

خرما بخشی از رژیم غذایی سالم است، چرا که قند، چربی، پروتئین و انواع ویتامین های ضروری در آن موجود است، بنابراین این ماده غذایی در مقابله با کمبود وزن کمک مؤثری است.

● خرما دوست قلب های ضعیف

ثابت شده است، خرمایی که شب در آب خیس شده و صبح مصرف شود برای قلب های ضعیف مفید است، اگر این کار را دو بار در هفته انجام دهید به تقویت قلب خود کمک کرده اید.



نشانه استرس و روش‌های درمان آن

مقداری پماد آنتی بیوتیک روی آنها بمالید تا اثرشان از بین برود. البته داروهای گیاهی همچون روغن بادام شیرین یا روغن جوجوبا (هوهوبه) نیز تاثیر بسیار خوبی در بهبود این شرایط دارد.

شیارهای روی ناخن

استرس برخلاف تاثیری که بر موها دارند، باعث توقف رشد ناخن یا افتادن آنها نمی‌شود. اما در طولانی مدت باعث می‌شود تا شیارهایی مضر افقی روی سطح ناخن‌ها به وجود بیایند. این شیارها فرورفتگی‌های زشتی روی ناخن ایجاد می‌کنند.

درمان/ شیارهای افقی ناخن درد ندارد اما زیبایی ناخن را از بین می‌برد. برای برطرف کردن آنها باید از درمان‌ها شیمیایی که در داروخانه‌ها یا فروشگاه‌های لوازم آرایشی فروخته می‌شوند استفاده کنید. برای انواع مشکلات ناخن، مواد و محلول‌های مناسبی وجود دارند که پس از پایان دوره درمان، ناخن را به حالت عادی باز می‌گردانند.

آکنه

همان‌طور که تقریباً همه می‌دانیم، یکی از شایع‌ترین تاثیرات استرس در بدن، ایجاد جوش و آکنه روی پوست است. هر چه استرس بیشتر شود، میزان تولید چربی سلول‌های پوست نیز بیشتر می‌شود. هر چه ترشح کورتیزول و آدرنالین در بدن بیشتر شود، بدون نیز قند بیشتری تولید می‌کند. نتیجه این کار نیز ایجاد آکنه روی پوست است.

درمان/ مشکلات پوستی و آکنه را باید با مراجعه به پزشک متخصص پوست درمان کنید. برخی از محلول‌ها و پمادها به طور موقت باعث از بین رفتن آکنه می‌شوند اما آنها را ریشه‌کن نمی‌کنند. بنابراین لازم است با مراجعه به پزشک، داروهای لازم را مصرف و دوره درمان آنها را تکمیل کنید. دوران مصرف برخی از داروهای پوست، بر اساس وزن فرد تعیین می‌شود. بنابراین، لازم است حتماً به پزشک متخصص مراجعه کنید.

چین و چروک

افزایش ناگهانی قندخون در اثر ترشح زیاد کورتیزول یا آدرنالین در خون علاوه بر ایجاد آکنه، بر مولکول‌های کلاژن نیز تاثیر می‌گذارد. کلاژن پروتئینی است که موجب زیبایی و سلامت پوست می‌شود. افزایش کورتیزول در بدن باعث کاهش اسیدهای glycosaminoglycan و hyaluronic می‌شود که در شفافیت و صاف بودن پوست نقش اساسی دارند. با کاهش این مولکول‌ها، چین و چروک پوست زیاد می‌شود.

درمان/ هر چه سن انسان بالا برود، میزان چروک‌ها و خط‌های پوست زیاد می‌شود. اما استرس باعث می‌شود این روند در سن‌های پایین نیز پدیدار شوند. برای جلوگیری از این روند، مصرف کربوهیدرات - به ویژه شکر سفید - را در رژیم غذایی خود کاهش دهید. البته هم‌زمان باید از محصولات ضدچروک و آنتی‌ایجینگ نیز استفاده کنید.

بدن انسان می‌تواند با انواع شرایط سخت و دشوار کنار بیاید و به آن عادت کند. اما، استرس نوعی بیماری است که علاوه بر روح، به جسم انسان نیز آسیب‌های بسیاری وارد می‌کند. هورمون استرس، کورتیزول نام دارد که افزایش ترشح آن روح و جسم انسان را نابود می‌کند. استرس بر مو، پوست و ناخن تاثیر منفی بسیاری دارد. ما ۶ نشانه از این بیماری را نام برده و روش درمان آن را نوشته‌ایم.

ریزش مو

داشتن موهای خوش حالت و پر برای هر انسانی مهم است. مو تاثیر بسیاری در زیبایی چهره دارد. اما رشد مو به سلامت بدن و سلامت روح وابستگی مستقیم دارد. یعنی وقتی فردی در استرس‌های شدید و دایمی زندگی کند، ممکن است با مشکل ریزش مو مواجه شود.

درمان/ اگر بیش از یکصد تار مو در روز از دست می‌دهید - به طور مثال، حدود ۳۰۰ تار موی شما می‌ریزد - باید به پزشک متخصص پوست و مو مراجعه کنید. اگر ریزش مو در نتیجه تغذیه نادرست حاصل از استرس باشد احتمالاً پزشک برای شما ویتامین‌های B۱۲، زینک، آهن یا پروتئین فریتین تجویز می‌کند که باعث رشد مو می‌شوند.

در کنار کم کردن میزان استرس‌های خود و مصرف این ویتامین‌ها و استفاده از شامپوهای متناسب می‌توانید در عرض ۶ تا ۱۰ ماه حجم موهای خود را به حالت طبیعی و نرمال بازگردانید.

سفید شدن مو

بر اساس آمار، افرادی که کار پر استرسی دارند، خیلی سریع‌تر با مساله سفید شدن موی سران مواجه می‌شوند. جالب است بدانید محققان دانشگاه داروسازی نیویورک کشف کرده‌اند استرس‌های جسمی همچون سوختن دست، باعث تولید ملانوسیت (سلول‌های تولید ملانین) می‌شود که مسوول رنگ موها هستند. این پروسه بر فولیکول‌های مو نیز تاثیر می‌گذارد. این سلول‌ها باعث می‌شوند تا موها بی‌رنگ باقی بمانند و در نتیجه موهای سر فردی که استرس زیادی را تحمل می‌کند، سفید می‌شود.

درمان/ در واقع هیچ درمانی برای سفیدی موها وجود ندارد. تنها کاری که می‌توانید برای این موها انجام دهید، رنگ کردن آنها است.

پوسته شدن اطراف ناخن

متخصصان پوست اعتقاد دارند فعالیت‌های زیاد بر ضخامت یا کیفیت خوب پوست بستر ناخن و اطراف آن تاثیر مستقیم ندارد. اما افرادی که استرس دارند، اصولاً با جویدن ناخن یا پوسته‌های اطراف آن خود را آرام می‌کنند. این کار در طولانی مدت باعث از بین رفتن زیبایی و دوام این بستر می‌شود. ضعف بستر ناخن به ضعیف شدن خود ناخن‌ها نیز منجر می‌شود و ناخن نمی‌تواند در شکل درست، به خوبی رشد کند.

درمان/ اگر اطراف ناخن‌های شما متورم، قرمز و پوسته‌پوسته است، هر روز



در صورتی که تولیدکنندگان دوچرخه به دنبال ماده‌ی سبک وزنی در کنار دوام بالا برای ساخت فریم باشند، یکی از گزینه‌های قابل اعتماد، تیتانیوم است. اما یکی از نقاط منفی تیتانیوم برای ساخت فریم، قیمت بالای آن است.

شاید بتوان قیمت تولید چنین دوچرخه‌هایی را کاهش داد. اخیراً دو کمپانی بریتانیایی با همکاری یکدیگر درصدد تولید اولین دوچرخه‌ای هستند که از طریق پرینت سه‌بعدی با استفاده از تیتانیوم ساخته شده است.

رنیساو، یک کمپانی نوپا است که با همکاری امپایرسایکل، سعی در تولید یک دوچرخه‌ی کوهستانی با نام MX-6 Evo دارد. امپایرسایکل نسخه‌ای آلومینیومی از این محصول را با نام MX-6 به بازار عرضه کرده است.

فریم مورد نظر با استفاده از ماشین ذوب لیزری AM250 ساخته شده که توسط رنیشاو توسعه داده شده است. در پروسه‌ی ساخت فریم، ابتدا دانه‌های پودر مانند آلباژ تیتانیوم با استفاده از لیزر فیبر ایتربیوم که بسیار پر قدرت است، ذوب شده و به هم متصل می‌شوند. لایه‌هایی از این ماده، برای ساخت و تشکیل دادن ساختار اتصالات فریم مورد استفاده قرار می‌گیرند. قطعات ساخته شده توسط لایه‌های تیتانیوم سپس توسط یک ماده‌ی چسبنده به یکدیگر متصل شده و ساختار نهایی فریم را تشکیل می‌دهند.

به دلیل اینکه چگالی تیتانیوم نسبت آلومینیوم بیشتر است، از این رو برای نیل به هدف امپایرسایکل برای ساخت نمونه‌ی آلومینیومی با وزن سبک‌تر، باید مقدار کمتری تیتانیوم در ساخت این دوچرخه به کار برده شود. برای ساخت چنین نمونه‌ای، یک نرم‌افزار بهینه‌سازی به کار گرفته شده است تا براساس محاسبات آن در محل‌هایی که نیاز به میزان کمتری تیتانیوم وجود دارد، مشخص گردد. لازم به ذکر است که کاهش موارد مورد نیاز در محل‌های مورد نظر، به‌هیچ وجه به قیمت کاهش استحکام انجام نشده و استحکام فریم در درجه‌ی بالاتری قرار دارد.

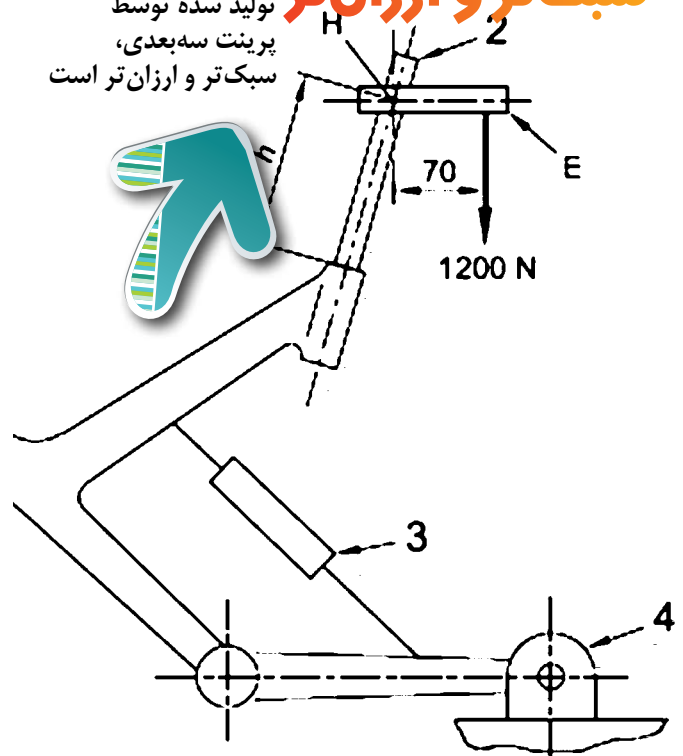
با انجام تمامی بهینه‌سازی‌های ذکر شده، این دو کمپانی موفق به ساخت فریم با وزن ۱,۴۰۰ گرم شده‌اند که ۳۳ درصد از نمونه‌ی آلومینیومی سبک‌تر است. زمانی که براکت نصب صندلی دوچرخه (محل الصاق صندل به دوچرخه) مورد آزمایش استحکام قرار گرفت، نتیجه‌ی خارق‌العاده‌ای از خود به‌جا گذاشت، به‌طوری‌که استحکام آن شش برابر دوچرخه‌ی کوهستان EN 14766 است.

اما چه عواملی منجر به کاهش قیمت ساخت این دوچرخه‌ی تیتانیومی خواهد شد؟ یکی از عمده‌ترین دلایل، استفاده از پروسه‌ی ذوب لیزری است که هیچ ضایعاتی از تیتانیوم را در بر نداشته و تمامی موارد اولیه در ساختار فریم دوچرخه مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین با محاسبه‌ی میزان مواد مورد نیاز در نقاط مختلف فریم، تیتانیوم اضافه‌ای در ساختار فریم به کار گرفته نمی‌شود. در آخر نیز برای ساخت این دوچرخه، نیاز به خط تولید مشتمل بر ماشین‌های دیگری نیست، بلکه با استفاده از چاپگر سه‌بعدی موجود، می‌توان بخش عمده‌ی این دوچرخه را به تولید رساند.



اولین دوچرخه‌ی تیتانیومی سبک‌تر و ارزان‌تر

اولین دوچرخه‌ی تیتانیومی تولید شده توسط پرینت سه‌بعدی، سبک‌تر و ارزان‌تر است



از پاره شدن سلول‌ها توسط بلورهای تیز یخ جلوگیری می‌کند با این تفاوت که بر خلاف حلال این ماده می‌تواند بدون اینکه ضرری داشته باشد، درون خون بماند. این به این معناست که می‌توان به راحتی خون یخ زده را مورد استفاده قرار داد. از همه‌ی اینها مهم تر اینکه این ماده تنها به میزان ۰,۱ درصد حجمی به خون اضافه می‌شود.

این دانشگاه هم اکنون در پی تجاری کردن این فناوری است که می‌تواند در زمینه‌ی درمان‌های مبتنی بر سلول‌ها و پژوهش‌های پزشکی نیز کاربردهای فراوانی داشته باشد. جزییات این پژوهش اخیرا در مجله‌ی علمی Nature Communications به چاپ رسیده است.

به نظر شما چطور ممکن است یک ماهی خونسرد همچون کوی بتواند در آب‌های یخ زده نزدیک به قطب شمال دوام بیاورد و به یک کنسرو یخ زده ماهی تبدیل نشود؟ پاسخ این پرسش در سازوکار بدن این ماهی نهفته است، این ماهی‌ها در بدن خود نوعی پروتئین دارند که می‌تواند جلوی یخ زدن جریان خون آن‌ها را بگیرد، چیزی مشابه با ضد یخی که شما برای ماشین هایتان استفاده می‌کنید، البته بسیار پیشرفته و کارآمد تر. دانشمندان انگلیسی اخیرا توانسته اند این سازوکار را به صورت مصنوعی تکرار کنند و به کمک آن خون انسان را برای ذخیره و نگهداری طولانی مدت یخ بزنند و مجدداً و البته به سرعت به حالت عادی برگردانند.

اگرچه هم اکنون نیز نگهداری خون به وسیله‌ی سرما بهترین راه است و به طور گسترده‌ای از این روش استفاده می‌شود ولی این فرایند قبل از سرد کردن خون نیاز به اضافه کردن حلال‌های آلی به خون با نسبت ۱ به ۱ دارد. ضمن اینکه هنگام جداسازی این حلال از خون نیاز به زمان طولانی، برای مثال چند روز است، که این زمان در مواقع اضطراری بسیار زیاد است.

به عنوان جایگزینی برای این حلال پژوهشگران دانشگاه Warwick به پلی وینیل الکل روی آوردند. این پلیمر مصنوعی عملکردی همچون پروتئین ضد یخ زدگی ماهی کوی دارد و می‌توان آن را از صمغ چوب استخراج کرد. این ماده درست مثل حلالی که پیش از این مورد استفاده قرار می‌گرفت



ضد یخی برای خون در سرمای شدید



● از هنرمندی که همیشه دم از کارهای سوررئالیستی می‌زد، پرسیدند: نظرت درباره هنر و زندگی چیست؟
گفت: والله! هنرمان را مردم نمی‌فهمند، زندگی را خودمان!

● مردی توی خیابان راه می‌رفت. دید توی یک مسجد، مراسم ختم است. مرد که خیلی خسته و گرسنه بود، با خودش گفت: می‌روم تو، کمی می‌نشینم. هم خستگی در می‌کنم و هم یک چای و میوه می‌زنم به بدن. مرد مُرده خور، رفت تو و نشست. مدّاح مراسم، هی گریه می‌کرد و می‌خواند و می‌گفت: هنرمند عزیزی از میان ما رفت.

مرد مُرده خور، با خودش گفت: پس مرحوم، هنرمند بوده. دیگر نباید توقع چای و میوه داشته باشم. از هنرمند جماعت، بخار بلند نمی‌شود.

اما نه تنها به او چای و میوه دادند، بلکه مجری مراسم، در پایان ختم، از همه مدعوین دعوت کرد که افتخار بدهند، شام در فلان رستوران در خدمتشان باشند. فردا ناهار هم در خانه مرحوم دعوت هستند، شام را هم در چلوکبابی بهمان و... و...

همین طور شمرد و مدعوین محترم و داغدار را تا هفت شبانه روز دعوت کرد. قند توی دلِ مرد مُرده خور، آب شد. با خودش گفت: خیلی خوب شد، هفت تا شام و ناهار افتادیم؛ اما این چه هنرمندی است که این قدر مایه دار بوده؟

یارو رفت تحقیق کرد و بعد از کلی تحقیق، فهمید که طرف، هنرمند نبوده؛ بلکه اسمش هنرمند و فامیلی اش عزیزی بوده.

● نیروی انتظامی، شخصی را دستگیر کرده بود که در اماکن شلوغ، میان مردم راه می‌رفت و با هنر خاصی، جیب مردم را خالی می‌کرد. به او گفتند: تو کی هستی؟
گفت: من هنرمندِ مردمی هستم!

نقل است که در بلخ، قحطی عظیم بود، چنان که یکدیگر را می خوردند. [شقیق بلخی] غلامی دید در بازار، شادمان و خندان. گفت: ای غلام! چه جای خرمی و شادکامی است؟ نمی بینی که خلق از گرسنگی چگونه اند؟» غلام گفت: مرا چه باک که من بنده کسی ام که وی را دیهی است خاصه و چندین غله دارد. مرا گرسنه نگذارند». شقیق، آن جا از دست برفت. گفت: الهی! آن غلام به خواجه‌ای که انباری دارد، چنین شاد است. تو ملک الملوکی و روزی پذیرفته‌ای. ما چرا اندوه خوریم؟»

تذکره الأولیا، فرید الدین محمد عطار نیشابوری، تصحیح: محمد استعلامی، تهران: زوآر، ۱۳۸۶، شانزدهم، ص ۲۰۲.





نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران



این کتاب شرح سرگذشت روشنفکری در دوره تاریخی دویست سال اخیر است. روی جلد اول چوب کبریتی روشن میان دو انگشت و طرح جلد دوم دو چوب قرار گرفته‌اند که در بدو روشن شدن خاموش شده است! جلد اول به پیدایش روشنفکری و نسل اول آن در دوره مشروطه و جلد دوم به نسل دوم این جماعت تا دوران پهلوی می‌پردازد.

روشنگری بیانگر جهان‌بینی و بینش حاکم بر دوران بسط و گسترش تمدن غرب است. و دارای چنان اهمیتی است که جریان غالب تفکر قرن هجدهم در غرب را با آن می‌شناسند. در فلسفه جدید، از دکارت به این سو، عقلی‌پدیدار شد که هرآنچه را روشن نبود، مردود می‌انگاشت. دکارت، عقل اومانستی را معیار نهایی کشف حقیقت اعلام می‌کرد و بشر را بی‌نیاز از هدایت وحیانی و آسمانی. او در طلب احکامی بود که بدیهی و روشن باشند. روشنفکری در ادامه فلسفه دکارت به وجود آمد. روشنفکران نیز در جهت ترویج و تبیین آداب و مشهورات امانیستی عمل می‌کردند.

اما آنچه در ایران با عنوان روشنفکری سربرآورد، در قیاس با روشنفکری غرب، ماهیتی تقلیدی داشت. و صورتی ظاهری از آن بود. جریان روشنفکری در ایران محصول تطور طبیعی تاریخ ما نبود. روشنفکران و متجددان ایران مقلدانی ظاهرگرا بودند که پیشرفت کشور را در وابستگی به استعمارگران می‌دیدند. و بر این باور بودند که «اصلاح» و بهبود اوضاع کشور از مسیر ورود سرمایه‌های مادی و معنوی غرب می‌گذرد. میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله که از پیشگامان روشنفکری در ایران است می‌گفت باید «دقیقا مثل اروپا عمل کرد». روشنفکری در ایران از زمان فتح‌علی‌شاه قاجار ظهور کرد. و از ابتدا بنایی غیر دینی داشت. غرب که مسلط به فناوری و علم روز شده بود زمانی که خواست در ایران، پایگاه تسلط خودش را مستحکم کند، از راه روشن‌فکری وارد شد.

«نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران» به قلم شهریار زرنشاس، شرح سرگذشت روشنفکری از بدو پیدایشش در غرب، تا شکل‌گیری زمینه‌های آن در ایران، و حضور و تاثیرگذاری‌اش در دوران کنونی است. نویسنده کتاب، روشنفکری غربی معرفی می‌کند و می‌گوید روشنفکری در ایران صورتی نازل و بی‌ریشه از روشنفکری در غرب است و مقدمه اقدام عملی جهت درهم شکستن ساختار کنونی غرب‌زدگی شبه مدرن و عبور تاریخی از آن، شناخت مبنایی و تئوریک غرب بر پایه خودآگاهی دینی است. ایده اصلی او، تبیین وضعیت روشنفکری در ایران، و شرح بیگانگی و تقابل آن با پیشینه تاریخی کشور است. به ادعای نویسنده استراتژی روشنفکری در ایران، استحاله هویت دینی نظام و تبدیل آن به یک رژیم سکولار است و خطر روشنفکری نتولیبرالی پس از انقلاب، تهاجم در برابر اسلام فقه‌ای است. رویارویی‌ای که به نبرد سرنوشت تاریخ و مردم خواهد انجامید. از همین روست که زرنشاس پس از توضیح بنیان‌های نظری پیدایش روشنفکری در غرب و بیان ریشه‌های خودبنیاد تفکر غربی، مدعی تضاد ذاتی و مبنایی حقیقت روشنفکری با دین و دیانت و گوهر قدسی و وحیانی آن می‌شود.

کتاب، در دو جلد توسط انتشارات کتاب صبح (۱۳۸۷) به چاپ رسیده و مشتمل بر هفت فصل است. آغاز آن تبیین ماهیت و پیشینه روشنفکری در غرب به منظور شناخت بهتر ماهیت روشنفکری در ایران است. فصل دوم به

توضیح ویژگی‌های روشنفکری، مفهوم غرب‌زدگی شبه‌مدرن و گرایش‌ها و شاخه‌های روشنفکری در ایران اختصاص دارد و فصول بعدی درباره ادوار تاریخی روشنفکری در ایران است. که از این قرارند:

نسل اول و دوم روشنفکری در عصر مشروطه روشنفکری در دوره پهلوی اول روشنفکری در دوره پهلوی دوم روشنفکری پس از انقلاب اسلامی هر فصل با تحلیلی عمومی از دوره تاریخی مورد بحث آغاز می‌شود با معرفی اندیشه و بررسی عملکرد چهره‌های شاخص روشنفکری در آن دوره (در فصل سه و چهار جلد دوم، احزاب و سازمان‌های روشنفکری) ادامه می‌یابد. نویسنده با تقسیم تاریخ ایران به چهار دوره: الف: کهن (ماقبل سلطه هخامنشیان) ب: تمدن کلاسیک ایران باستان (از سطره قبیله پارس تا شکست یزدگرد سوم) ج: تمدن کلاسیک ایران پس از اسلام (از قرن اول هجری تا قرن چهاردهم و ظهور مشروطه) د: دوره سطره غرب‌زدگی و تجدد گرایی (پس از مشروطه) مقطع پایانی را موضوع اصلی کتاب، و زمینه شکل‌گیری روشنفکران عنوان می‌کند. زرنشاس در توضیح ویژگی‌های روشنفکران (شبهه روشنفکران) در این دوره، آنان را این چنین توصیف می‌کند: «وابسته به استعمار و لژهای فراماسونری، زمینه‌ساز سرمایه‌سالاری و امپریالیسم جهانی، فاقد پشتوانه عمیق و جدی فلسفی، در خدمت استبداد مطلقه رضاخانی و مروج پایه‌های فرهنگی و سیاسی آن رژیم»

ویژگی کتاب تقسیم‌بندی فصول آن به دوره‌های تاریخی حضور روشنفکران در ایران و معرفی چهره‌های شاخص جریان روشنفکری در هر دوره است. البته توجه به این نکته نیز ضروری است که لحن نویسنده در توصیف اشخاص، در مواردی از زبان علمی متناسب با چنین پژوهشی فاصله گرفته و به بیانیه‌ای علیه آنها مانند می‌شود. انتخاب این زبان در پژوهشی با مختصات کتاب مذکور، از دقت متن می‌کاهد و ارتباط اقناعی آن با خواننده را کم اثر می‌کند. به عنوان نمونه نویسنده در توصیف شخصیت تیمورتاش، او را «مردی پرانرژی، قدرت طلب، شهوت‌ران، شارلاتان صفت، متجدد مآب و روشنفکر صفت» معرفی می‌کند. طبیعی است که ارتباط این توصیفات با ماهیت روشنفکری چیزی نیست که با صرف ادعای نویسنده و ردیف کردن عباراتی این چنین اثبات شود. و نیازمند توضیحاتی بیشتر و دقیق‌تر است. از سوی دیگر ممکن است معرفی اشخاص، احزاب و جریان‌های روشنفکری و توضیح اجمالی «عمل» آنها، ارتباط کلی آن با ماهیت روشنفکری را کم‌رنگ کند. و خواننده را از دقت و تأمل در «ماهیت» روشنفکری باز دارد.

تأمل و دقت در این مقطع از تاریخ معاصر ایران، کلید فهم عقب‌ماندگی کشور از جریان تفکر و پیشرفت، و روشن‌کننده ریشه‌های وابستگی و ضعف ایران در این دوران است. عمل سیاسی حاکمان و عهد قراردادهای ننگین و خفت باری نظیر گلستان و ترکمانچای و رویت شاهد کوچکی بر این مدعاست. شهادی که نشانه و بروزش قبل و همزمان با حاکمان در روشنفکران دیده شد.

نویسنده همان ابتدا کتاب شکل‌گیری کتاب را اینطور شرح می‌دهد: سال‌هایتمادی است که قصد داشته‌ام تا تاریخی جامع، هرچند مختصر، از جریان روشنفکری ایران تهیه نمایم. وقتی شروع به کار کردم دیدم که برای انجام چنین کاری، زمانی حداقل ۵ - ۶ ساله و تیمی از نفرات پژوهشگر و همراه لازم است؛ بنابراین به انجام یک بررسی بسیار مختصر و تقریبا محدود به برخی چهره‌های برجسته این جریان بسنده کردم.

فرشته زمینی بی تو...





برتر از مریم علیهاالسلام

امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه علیهاالسلام از آن جهت محدّثه نامیده شده که فرشتگان از آسمان فرود می آمدند و مانند حضرت مریم به وی می گفتند: ای فاطمه «خدا تو را برگزید و پاکیزه گردانید و تو را بر زنان عالم برتری داد.» ای فاطمه «در پیشگاه پروردگارت فروتنی و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما» و بدین ترتیب، وی با فرشتگان نیز سخن می گفت. شبی فاطمه علیهاالسلام به فرشتگان فرمود: مگر مریم، دختر عمران برگزیده و برتر از تمام زنان عالم نیست؟ آنها گفتند: مریم تنها سرور زنان عالم در زمان خود بود، ولی خدا تو را سرور زنان در زمان خودت و زمان مریم و نیز زنان اولین و آخرین قرار داده است.

● حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام از نگاه معصومان

از نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

- سلمان فارسی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به من فرمود: ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد، در بهشت در کنار من خواهد بود و هر کس او را دشمن بدارد، در آتش جهنم خواهد بود. ای سلمان! دوستی فاطمه در صد جایگاه به حال انسان سودمند است که راحت ترین این جایگاه ها، عبارت است از مرگ و قبر و میزان و سنجش [اعمال] و محشر و [پل] صراط و حساب رسی. هر کس دخترم فاطمه از او راضی باشد، من هم از او خشنود می گردم و هر کس من از او خشنود باشم، خداوند از او خرسند خواهد بود. هر کس فاطمه از او خشمگین باشد، من بر او خشم می گیرم و هر کس من بر او خشم گیرم، خداوند بر او غضب می کند. ای سلمان! وای بر کسی که به فاطمه و به فرزندان و شیعیانش ظلم کند.
- اگر همه خوبی ها و فضیلت ها در شخصیتی جمع گردد، آن شخص فاطمه است بلکه او بزرگ تر از این توصیف هاست. به درستی که دخترم فاطمه در بزرگواری و کرامت، بهترین فرد بر روی زمین است.
- جُمع می گوید: همراه با عمه ام به نزد یکی از همسران پیغمبر رفتیم. از او پرسیدند: چه کسی نزد پیامبر از همه محبوب تر بود؟ گفت: فاطمه علیهاالسلام. پرسیدند: از مردان چه کسی؟ گفت: همسر فاطمه.

بی تو تنهایی سخت است ای عشق من، ای تمام هستی من. بی تو بودن معنا ندارد. بی تو، چراغ زندگی ام خاموش است. بی تو، گذران قافله عمر دلگیر است. بی تو، زینب تنها می شود، حسین می میرد. بی تو، بیت الاحزان مدینه تنها می شود. بی تو، آسمان چگونه بارد، زمین چگونه تاب بیاورد. بی تو، مدینه سر بر بالین کدام دوست نهد. بی تو، ستارگان خاموشند. بی تو، دیگر صدای ضجه و ناله نمی آید. زهرا جان! ریحانه رسول! بی تو، خورشید غمگانه غروب می کند. ای بی همتا!... آسمان چگونه پهلویت را دید و نگریست، و زمین چگونه صورتت را دید و در هم نشکست. ای برترین بانو! عارفانه عروج کردی و چشم در چشم رسول دوختی. عاشقانه پر کشیدی و در آغوش برترین بشر آرام گرفتی!

● کوثر قرآن

سرور بانوان دو عالم، حضرت صدیقه طاهره، زهرای مرضیه، عطای خدای رحمان، کوثر پرثمر قرآن و همتای امیر مؤمنان است. آن حضرت در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت، در مکه پا به عرصه گیتی نهاد و در دوران حضور پدرش در مکه، سختی های آن بزرگوار را در راه تبلیغ دین مبین اسلام دید و خود نیز سه سال از کودکی را در شرایط جانکاه و طاقت فرسای شعب ابی طالب گذراند. زهرا علیهاالسلام در آن هنگام فریاد کودکان را می شنید و خودش هم طعم گرسنگی را می چشید و از این رهگذر، درس شکیبایی و مقاومت را فرا می گرفت. ایشان به سبب ایثارگری فراوان در راه پدر، لقب «امّ ابیها»، را از آن خود کرد. در خردسالی مادرش خدیجه را از دست داد و قلب کوچکش فراق مادر را احساس کرد. ایشان از هیچ اقدامی برای یاری پدرش دریغ نمی ورزید و در سال سیزدهم بعثت، پس از هجرت پیغمبر به مدینه، با سن اندک خود، مسیر صدها کیلومتری مکه تا مدینه را پیمود و همراه امیرمؤمنان علی علیه السلام و دیگر زنان، خود را به آن حضرت رساند.

● ادب زهرا علیهاالسلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پس از رحلت حضرت خدیجه، با ام سلمه ازدواج کرد و فاطمه را به همسر وفادار خود سپرد تا از وی نگهداری کند. ام سلمه می گوید: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فاطمه را به من سپرد تا در تربیتش کوشش کنم. من هم از تربیت و راهنمایی او دریغ نداشتم، ولی به خدا سوگند، او از من بالاد تر و داناتر بود.



◎ آخرین وصیت پیامبر

پیامبر گرامی اسلام در لحظات آخر عمر شریفش، در کنار وصیت های دیگر خود به امیرمؤمنان علیه السلام، بر وجود فاطمه زهرا علیهاالسلام نیز تأکید کرد. امام کاظم علیه السلام می فرماید: به پدرم گفتم: پس از رفتن فرشتگان از حضور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چه اتفاقی افتاد؟ فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در این هنگام علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را طلبید و به ام سلمه فرمود: کنار در بایست و نگذار کسی نزدیک بیاید. سپس آن حضرت با یک دست، دست فاطمه را گرفت و مدت طولانی بر سینه گذاشت و با دست دیگرش دست علی علیه السلام را بر سینه نهاد. همه آنها گریه کردند. پس از آن، دست فاطمه علیهاالسلام را در دست علی علیه السلام قرار داد و به علی علیه السلام فرمود: «ای ابا الحسن! این (فاطمه) امانت خدا و رسولش محمد نزد توست. حق خدا و امر مرا در مورد فاطمه رعایت کن که چنین خواهی کرد. ای علی! سوگند به خدا فاطمه سرور زنان بهشت از پیشینیان و آیندگان است. سوگند به خدا این همان مریم کبراست. سوگند به خدا همواره آنچه از خدا برای فاطمه و شما خواستم، خواسته هایم را اجابت کرد. ای علی! آنچه را در شأن فاطمه سفارش کردم انجام بده. من اموری را به فاطمه سفارش کردم که جبرئیل به آن امر کرده بود».

◎ بهترین خانه ها

دو نفر از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می گویند: پیغمبر آیه ۳۶ سوره نور را قرائت کرد: «خانه هایی که خدا رخصت داده (قدر و منزلت) آنها والایی باید و نامش در آنها یاد شود». مردی برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! اینها کدام خانه هاست؟ فرمود: «خانه پیامبران». دیگری برخاست و با اشاره به خانه علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام گفت: ای رسول خدا! آیا این خانه هم جزو آنهاست؟ فرمود: «آری، از بهترین آنهاست».

◎ نام فاطمه علیهاالسلام

بیشتر امامان معصوم به سبب احترام و علاقه ای که به مادرشان حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام داشتند، نام یکی از دختران خود را به یاد آن حضرت، فاطمه می گذاشتند. امیرمؤمنان علی علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام و امام جواد علیه السلام، یک دختر خود را فاطمه نامیدند. امام حسین علیه السلام و امام موسی کاظم علیه السلام نیز یکی از دختران خود را فاطمه کبرا و دختر دیگر را فاطمه صغرا نام نهادند.

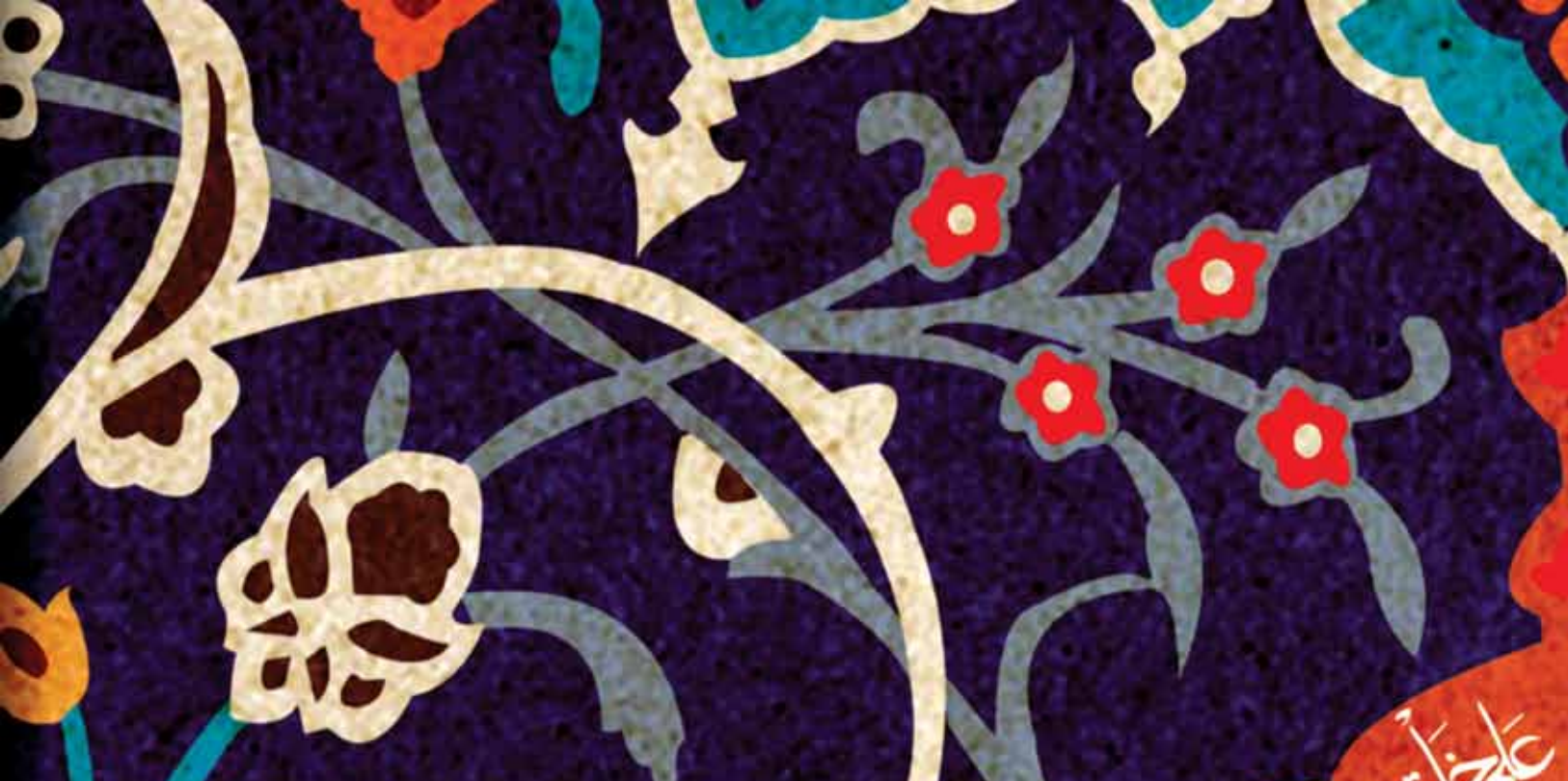
◎ از نگاه امام علی علیه السلام

◎ برترین بانو

امام علی علیه السلام نه فقط در زمان حیات حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام بلکه پس از شهادت آن حضرت نیز نام ایشان را به بزرگی یاد می کرد و وجود حضرت را مایه افتخار خود می دانست. آن حضرت در یکی از نامه های خود در پاسخ به معاویه چنین می نویسد: «شما چگونه با ما برابری، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از ما و دروغگوی رسوا (ابوجهل) از شما؛ حمزه از ما و ابوسفیان از شما؛ دو سرور جوانان اهل بهشت از ما و کودکان در آتش افکنده از شما؛ و بهترین زنان جهان (حضرت زهرا علیهاالسلام) از ما و زن هیزم کش دوزخیان (همسر ابولهب و عمه معاویه) از شماست».

◎ احترام به فرزندان فاطمه علیهاالسلام

امیرمؤمنان علی علیه السلام به سبب احترامی که برای حضرت فاطمه علیهاالسلام قائل بود، پس از بازگشت از جنگ صفین، در وصیتی درباره اموال شخصی خود، فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام را سرپرست تعیین فرمود و نوشت: «سرپرستی این اموال به عهده فرزندانم حسن بن علی است... اگر برای او حادثه ای رخ داد و حسین زنده بود، سرپرستی آن را پس از برادرش به عهده



حضرت خطاب به مغیره بن شعبه فرمود: «تو بودی که فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را مجروح کردی. تو برای تحقیر رسول خدا و مخالفت با فرمان او، مرتکب این جنایت شدی؛ در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده بود: ای فاطمه! «تو سرور زنان اهل بهشتی».

◎ از نگاه امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام از کودکی به مادرش فاطمه زهرا علیها السلام علاقه فراوانی داشت و در کنار او آرام می گرفت. حضرت زهرا علیها السلام نیز در لحظات آخر عمر شریف خود، ضمن سفارش به امام علی علیه السلام برای رسیدگی به همه فرزندان، امام حسین علیه السلام را مخصوص و جداگانه نام برد. امام حسین علیه السلام نیز پیش از خاکسپاری مادرش، خود را به پیکر پاک او انداخت و با چشمانی اشک آلود نجوا کرد: «وای بر ما! ناراحتی ما برای فقدان جدمان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم و مادرمان فاطمه زهرا علیها السلام هیچ گاه خاموش و برطرف نخواهد شد». امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «ناگهان ندایی آسمانی به گوش رسید که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را از روی فاطمه علیها السلام بردار که به خدا سوگند فرشتگان آسمان ها را به گریه درآوردند».

◎ رجز حماسی

یکی از پرشورترین یادآوری های امام حسین علیه السلام از مادر عزیزش، در لحظه بسیار حساس و سرنوشت ساز حرکت به سوی کربلاست. حضرت در آن هنگام، با زیباترین و شایسته ترین کلمات، پاکی، عصمت و بزرگی مادر خود، حضرت زهرا علیها السلام را بیان می دارد. آن حضرت همچنین در روز عاشورا که هر کسی بار رجزخوانی، افتخارات خود را بیان می کرد، افتخار خود را حضرت فاطمه علیها السلام دانست و فرمود: «فاطمه علیها السلام مادر من است که از سلاله رسول خداست».

گیرد و کار او را تداوم بخشد. پسران فاطمه (امام حسن و حسین علیهما السلام) از این اموال به همان مقدار سهم دارند که دیگر پسران علی خواهند داشت. من سرپرستی اموال را به پسران فاطمه واگذاردم تا خشنودی خدا و نزدیک شدن به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و بزرگداشت حرمت او و احترام پیوند خویشاوندی ایشان را فراهم آورم».

◎ غربت فاطمه علیها السلام در دعای علی علیه السلام

کَفَعُمی، از دانشمندان بزرگ شیعه در قرن نهم است. او کتاب دعایی به نام مصباح دارد که آن را از ۲۴۰ منبع گرد آورده است. او می گوید: این کتاب را از منابع مورد اعتماد گرد آورده ام، چنانچه گذشت زمان، در اعتبار آن تأثیر نمی گذارد و از آن نمی کاهد. وی در این کتاب ارزشمند، دعایی از امیرمؤمنان علیه السلام آورده که حضرت در بخشی از این دعای با عظمت، مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام را در قالب مناجات و دعا بازگو می کند.

◎ از نگاه امام حسن مجتبی علیه السلام

سخنانی که با یاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر زبان فرزندان آن حضرت جاری شده است، نشان از بزرگی شخصیت ایشان دارد و آن بزرگواران، یکی از افتخارات خود را فرزندی حضرت زهرا علیها السلام می دانستند. زیاد، یکی از فرمانداران ستمگر معاویه، اهانت ها و گستاخی های بی شرمانه ای به ساحت مقدس امام حسن مجتبی علیه السلام روا می داشت، ولی آن حضرت در پاسخ، فقط خود را فرزند زهرای پاک معرفی می کرد و زیاد را فرزند مادر بدکارش می دانست.

◎ برخورد با دشمنان فاطمه علیها السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام در زمان های گوناگون، با استدلال های محکم، دشمنان مادرش، حضرت زهرا علیها السلام را رسوا می کرد. آن



انتخاب، تعریف و بیان مسئله تحقیق

در شماره قبل انواع تحقیقات را معرفی و مشخصات آنان را برای شما شرح دادیم در این شماره قصد داریم شما را با روش بیان موضوع تحقیق آشنا کنیم

درباره جهان و زندگی و مسائل گوناگون آن است؛ بنابراین، در مقابل شناخت‌ها و آگاهی‌های او، ناشناخته و مجهولات جدید مطرح می‌شود و به ذهن او خطور می‌کند؛ گاه طرح این سؤال‌ها به شکل‌گیری راه‌حل‌های فرضی، ذهنی و تخیلی منجر می‌گردد و مقدمه تشکیل نظریه را فراهم می‌آورد. این نظریه‌ها و تصورات ذهنی جدید هستند که ذهن کنجکاو و جستجوگر انسان دائماً با محیط خارج ارتباط و کنش و واکنش دارد و از آن تأثیر می‌گیرد یا در آن تأثیر می‌گذارد.

تجارب شخصی

قلمرو موضوعات و کنش متقابل انسان با محیط متنوع است و از کوچکترین تا بزرگترین ابعاد را شامل می‌شود. با این همه، تمامی این واکنش‌های شخصی ممکن است در طرح مسئله تحقیق مؤثر باشد.

مطالعه آثار مکتوب

انسان بطور اعم و محققان بطور اخص علاقه‌مند به مطالعه هستند. مطالعه امکان آشنایی با نظریه‌ها و تجارب دیگران و حاصل کاوش‌ها و شناخت‌های دیگر دانشمندان و صاحبان آثار را فراهم می‌کند. در واقع، مطالعه راهی است برای ورود به مخزن معلومات و قلمرو معرفتی و شناختی نوع بشر در تمام زمینه‌ها یا زمینه‌ای خاص. محقق با مطالعه آثار دیگران با مسائل تحقیقاتی که آنها پیشنهاد داده‌اند آشنا می‌شود و در صورت علاقه می‌تواند آنها را موضوع تحقیقات خود قرار دهد.

رکن اصلی هر تحقیق علمی را این مرحله تشکیل می‌دهد؛ زیرا محقق کلیه فعالیت‌های تحقیقاتی خود را بر پایه آن شکل می‌دهد. در این مسئله تحقیق مشق ف کند و امکان تحقیق درباره آن برایش میسر گردد. محقق برای پیدا کردن شناخت مقدماتی از مسئله و ویژگی‌های آن، ناگزیر است ادبیات و پیشینه آن را مورد مطالعه قرار دهد تا بدین وسیله بتواند متغیرهای احتمالی را شناسایی کند و براساس آن امکان تدوین فرضیه‌های تحقیق فراهم گردد. همچنین، از روش‌های کار تحقیقات مشابه اطلاع حاصل نموده، تجارب مفید آنها را در تحقیق خود به کار ببندد.

پس از این اقدامات محقق تقریباً شناخت کافی از ماهیت، ابعاد و قلمرو مسئله به دست آورده و متغیرهای علی و توصیفی دخیل در مسئله را شناسایی کرده و تصویری از روش‌های کار برای خود ساخته است، آنگاه نسبت به تعریف و بیان مسئله تحقیق براساس ماهیت و ویژگی‌های آن اقدام می‌کند. با این کار، مسئله بخوبی مورد بررسی قرار می‌گیرد، هرچند ممکن است وقت و توان زیادی صرف آن شود. اگر محقق این مرحله اساسی را جدی نگیرد و با بی‌حوصلگی و بی‌دقتی از کنار آن بگذرد و نتواند شالوده مناسبی برای فعالیت‌های بعدی پایه‌ریزی کند، نخواهد توانست تحقیق را به نحو مطلوب به انجام برساند.

دلایل طرح مسئله تحقیق کنجکاو

انسان به لحاظ برخورداری از قوای فکری و عقلی، همواره در اندیشه و تفکر

آثار مکتوب نیز متعدّدند که با مطالعه آنها محقق با مسائل جدیدی روبرو می‌شود و هر یک از این مسائل می‌تواند به عنوان مسئله تحقیق برگزیده شود.

منابع شفاهی

گفت و شنود با افراد مختلف نیز باعث افزایش آگاهی و معلومات و در عین حال افزایش مجهولات انسان می‌شود. منابع شفاهی را ممکن است سخنرانی‌ها، گفتگوها، نشست‌ها، مناظره‌ها، میزگردها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، نوارهای صوتی و تصویری، و مانند آن تشکیل دهد. انسان از طریق این منابع با مسائل جدیدی روبرو می‌شود که می‌تواند مسئله تحقیق تلقی شود.

مقتضایان تحقیق

معمولاً کسانی هستند که به مشکلی برخورد نموده در جستجوی چاره‌ای برای حل آنند و برای این کار از پژوهشگران کمک می‌گیرند؛ از جمله می‌توان از اشخاص حقیقی و نیز حقوقی نظیر سازمان‌های دولتی، مؤسسات غیردولتی و کارخانه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نام برد.

انتخاب و تعیین حدود مسئله تحقیق

با توجه به منابع ایجاد مسئله و موضوعات تحقیقاتی، محقق براساس علاقه و شوق شخصی و نیز احساس نیازی که خودش یا جامعه به حل مسئله‌ای و کشف مجهولی دارد، می‌تواند یکی از آنها را انتخاب نماید. علاقه او در انتخاب مسئله باعث می‌شود که با پشتکار، جدیت و شور و شوق زیاد تحقیق علمی را انجام دهد؛ توجه به احساس نیاز باعث می‌شود که امکانات و حمایت‌های مالی و بودجه‌ای برای تحقیق فراهم شود؛ زیرا بدون در نظر گرفتن هر یک از آنها امکان تحقق تحقیق علمی به شکل مطلوب بعید به نظر می‌رسد.

پس از آنکه محقق مسئله را برگزید، باید به واری ابعاد آن بپردازد و پس از تعیین ماهیت و مقیاس (کلی و جزئی) مرزها و قلمرو آن را مشخص کند تا اولاً امکان تعریف جامع آن فراهم شود و ثانیاً از تداخل مسائل دیگر در قلمرو آن جلوگیری به عمل آید؛ زیرا اگر جلو این تداخل گرفته نشود امکان بروز اشتباه در پرداختن به مسئله تحقیق پیش می‌آید.

برای تعیین حدود مسئله باید اولاً وضعیت عمومی و سپس وضعیت خاص مسئله مشخص شود. ثانیاً زمینه‌ای که مسئله در آن قرار دارد، معرفی شود. ثالثاً حدود زمانی و مکانی و تشکیلاتی آن بخوبی مشخص گردد. رابعاً مسائل جانبی و احتمالی که ممکن است موجب تداخل شوند، شناسایی و مرز آنها با مسئله تحقیق تعیین شود.

هر مسئله تحقیقاتی مناسب دارای ویژگی‌های زیر است که محقق می‌تواند با توجه به آنها مسئله موردنظر خود را انتخاب کند:

ادراکی بودن

این امر بدین معناست که محقق باید مسئله را با تمام وجود ادراک کرده باشد. مسائلی که جنبه القایی داشته و ادراک نشده باشند، نمی‌توانند توجه محقق را جلب کنند، بعلاوه این که هدف و جهت‌گیری تحقیق برای محقق مبهم خواهد بود.

بسیط بودن

این امر بدین معناست که مسئله باید واحد باشد و حالت ترکیبی نداشته

باشد؛ زیرا در مسائل ترکیبی روش‌شناسی و دستیابی به اهداف تحقیق دارای ابهام است و هر کدام از اجزاء ترکیب روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد.

میکرو بودن

مسائل کلان و عمومی در تحقیق علمی حل نمی‌شود؛ چون محقق فرصت و منابع مالی لازم را ندارد. علاوه بر این، عملیاتی کردن متغیرهای مسائل کلی‌تر و ماکرو مشکل است و اندازه‌گیری آن امکان‌پذیر نیست.

نو بودن

مسئله تحقیق باید اصیل و جدید باشد تا بتوان با حل آن موضوع تازه‌ای را مطرح و علم جدیدی را تولید کرد. مسائل و موضوعاتی که قبلاً مورد بررسی قرار گرفته و قطعیت آنها اعلام شده است نیاز به تکرار تحقیقات ندارند؛ البته بجز مسائل و موضوعاتی که عنوان ثابت دارند، ولی از متغیرهای مکانی تأثیر پذیرفته‌اند یا نظریه‌ای را مورد آزمایش قرار می‌دهند.

مرتبط با رشته تخصصی محقق بودن

از یک سو، محققان معمولاً به یک حوزه و رشته علمی و تخصصی وابسته‌اند که هویت علمی خود را از آن می‌گیرند و از سوی دیگر با توجه به تولید فزاینده علم و تخصصی شدن حوزه‌های معرفتی، یک محقق کمتر می‌تواند به حوزه‌های دیگر وارد شود؛ بنابراین، محققان، بویژه دانشجویان تحصیلات تکمیل که پایان‌نامه و رساله می‌نویسند، باید از ارتباط منطقی مسئله تحقیق و رشته تخصصی خود اطمینان یابند.

شفاف بودن

مسئله تحقیق از نظر موضوع، مفاهیم، ابعاد مجهول، متغیرهای اندازه‌گیری، چهارچوب نظری و مبنای فرضیه‌سازی قابل آزمایش، باید شفاف باشد و در آنها ابهامی وجود نداشته باشد.

نحوه بیان مسئله تحقیق و نگارش آن

کنترل و ارزیابی نگارش مسئله تحقیق

محقق در این مرحله آماده می‌شود مسئله را آنطور که یافته است تعریف نموده، اهداف تحقیق خود را بیان نماید. او باید این مطالب را بنویسد و در بخش تعریف مسئله تحقیق خود قرار دهد. آنچه در این بخش آورده می‌شود به ماهیت و اندازه تحقیق بستگی دارد و ممکن است از یک بند (پاراگراف) تا چندین صفحه را شامل شود. در بیان مسئله و تعریف آن محقق باید به نکات زیر توجه کند:

■ صورت مسئله باید به شکل سؤالی نوشته شود و از بیان آن بصورت عبارت کلی یا جملات خبری خودداری گردد؛ زیرا نگارش آن بصورت سؤالی باعث جلب توجه محقق به مجهول و تلاش برای معلوم کردن آن می‌شود؛ مثلاً بجای اینکه برای عنوان مسئله تحقیق بگویید بررسی عوامل مهاجرت روستائیان شهرستان الف بهتر است بگویید عوامل مؤثر در مهاجرت روستائیان شهرستان الف کدام هستند؟ البته کاربرد عبارت بررسی عوامل مهاجرت روستائیان شهرستان الف برای عنوان گزارش تحقیق مناسب است، ولی برای عنوان مسئله تحقیق که محقق چیزی درباره آن نمی‌داند، مناسب نیست.

■ مسئله باید بطور واضح تعریف گردد و از کاربرد واژگان و اصطلاحات مبهم و دوپهلو خودداری شود. همچنین، از بیان اصطلاحات و توضیحات

تکراری باید پرهیز کرد تا اصل بر اختصار توأم با وضوح و روشنی مسئله باشد. □ از کاربرد اصطلاحات و واژگان ارزشی باید خودداری شود. محقق در بیان مسئله نباید به داوری بپردازد یا اقدام به کاربرد واژه‌هایی کند که واقعیت را منعکس ننموده یا باعث غلو می‌شود. همچنین از کاربرد القاب و عبارات تکریمی بی‌مورد یا توهین‌آمیز باید خودداری شود.

□ اصطلاحات و مفاهیم اختصاصی و تخصصی باید تعریف شود. اصولاً هر مسئله تحقیقی و هر موضوعی به دلیل وابستگی به حوزه خاص معرفتی دارای واژگان و اصطلاحات و مفاهیمی تخصصی و اختصاصی است که محقق باید آنها را تعریف کند تا خواننده در ابهام و سردرگمی باقی نماند. بعلاوه محقق باید باور کند که خیلی از مفاهیمی را که او می‌داند و اختصاصی اوست ممکن است دیگران - حتی هم‌رشته‌ای‌هایش - ندانند؛ باید مسئله را از زاویه دید دیگران ببیند و اصطلاحات و مفاهیم نامأنوس یا مبهم را تعریف نماید.

□ سؤالات ویژه تحقیق باید نوشته شود. برای جهت‌گیری بهتر تحقیق، محقق می‌تواند سؤال اصلی تحقیق یا سؤال مادر را خرد کرده، از درون آن سؤال ویژه و اختصاصی را استخراج کند. این سؤالات ناظر بر هر یک از ابعاد مسئله یا متغیرهای توصیفی یا علی تهیه می‌شوند؛ یعنی محقق می‌تواند به تعداد ابعاد و متغیرهای مستقل یا به تعداد متغیرهای توصیفی سؤال ویژه تحقیق مطرح کند.

روش نگارش و ارزیابی مسئله تحقیق

محقق برای بیان مسئله تحقیق و نگارش آن باید به ترتیب زیر اقدام کند:

۱. صورت مسئله را به شکل سؤالی بنویسد.
 ۲. مقدمه‌ای کلی درباره اینگونه مسائل و ضرورت انجام دادن تحقیق موردنظر خود بنویسد (در واقع فلسفه تحقیق خود را توضیح دهد).
 ۳. ابعاد، ویژگی‌ها و صفات و حدود مسئله مورد مطالعه را شرح دهد.
 ۴. ادبیات و سوابق مسئله تحقیق را بیان کند.
 ۵. فهرست متغیرها و معرف‌های مورد مطالعه و مدل‌های تبیینی نظری را به شرحی که گفته شد ذکر نماید.
 ۶. سؤالات ویژه تحقیق را فهرست کند.
 ۷. به هدف یا اهداف تحقیق خود اشاره نماید.
 ۸. نتایج و دستاوردهای پیش‌بینی شده تحقیق را اظهار کند.
- محقق برای اطمینان از انجام دادن اموری که برای نگارش و بیان مسئله تحقیق لازم است، می‌تواند جدول کنترل (Check-List) را تهیه نموده، به ارزیابی آن بپردازد.

کنترل و ارزیابی نگارش مسئله تحقیق

ردیف	شرح	بلی	خیر	ملاحظات
۱	آیا صورت مسئله به شکلی سؤالی نوشته شده است؟			
۲	آیا در مقدمه توضیحی درباره مسئله و اهمیت و ضرورت تحقیق آورده شده است؟			
۳	آیا ابعاد، ویژگی‌ها و حدود مسئله تحقیق بیان شده است؟			
۴	آیا ادبیات و سوابق مسئله ذکر شده است؟			
۵	آیا فهرست متغیرها و معرف‌ها و مدل‌های مربوط به آن تهیه و بیان شده است؟			
۶	آیا سؤالات ویژه تحقیق تدوین و بیان شده است؟			
۷	آیا به هدف تحقیق دستاوردهای آن اشاره شده است؟			
۸	آیا بیان مسئله از وضوح برخوردار است؟			
۹	آیا از کاربرد واژه‌های دوپهلو، شرطی، ارزشی و داوری‌های ایدئولوژیک پرهیز شده است؟			
۱۰	آیا اصطلاحات و مفاهیم بخوبی تعریف شده است؟			



۱. امام کاظم (ع) علم را به چند دسته تقسیم می کنند؟
 (الف) سه، خدا شناسی هدف خلقت دین
 (ب) دو، خدا شناسی جهان خلقت
 (ج) چهار، خدا شناسی انسان شناسی اخلاق معرفت
 (د) چهار، خداشناسی، خودشناسی، وظیفه شناسی، انحراف شناسی

۲. امام علی (علیه السلام):
 شکرگزارترین مردم نسبت به نعمت‌ها، آنهاست و ناسپاس ترین آنان در برابر نعمت‌ها، آنهاست.
 (الف) قانع ترین - حریص ترین
 (ب) شب زنده دارترین - کافرین
 (ج) روزه داران - حسودان
 (د) نماز گذاران - کافران

۳. رسالت ادبیات چیست؟
 (الف) نازک اندیش کردن افراد
 (ب) معرفی روش بهتر و زیبا تر زندگی کردن
 (ج) هنرگونه کردن مطالب
 (د) زیبا سازی و خاطر انگیزی

۴. مهم ترین بخش مدیریت در خانه چیست؟
 (الف) برنامه ریزی
 (ب) حرف شنوی افراد خانواده
 (ج) تصمیم گیری به موقع
 (د) استفاده از وقت

۵. قربانی اصلی زندگی‌های پر جنجال و با روابط ناسالم، چه کسانی هستند؟
 (الف) خانواده
 (ب) فرزندان
 (ج) همسر
 (د) جمع خانواده

۶. فاطمه علیها السلام از کدام جهت محدّثه نامیده شده؟
 (الف) از پیغمبر اکرم حدیث نقل می کردند
 (ب) خطبه‌ای که در مسجد پیغمبر خواندند
 (ج) فرشته‌ها نزد ایشان می آمدند
 (د) احادیث فراوانی از پیغمبر اکرم به یاد داشتند

۷. حدیث محبت و دوستی حضرت زهرا (س) از چه کسی نقل شده است؟
 (الف) مقداد
 (ب) جُمیع
 (ج) میثم تمار
 (د) سلمان

۸. ای ابا الحسن! این امانت خدا و رسولش محمد نزد توست. حق خدا و امر مرا در موردش رعایت کن که چنین خواهی کرد. این سخن رسول خدا در مورد چیست؟
 (الف) قرآن
 (ب) دین
 (ج) فاطمه زهرا(س)
 (د) اهل بیت

۹. بهترین روش تخلیه احساسات منفی چیست؟
 (الف) ترک محل
 (ب) سکوت
 (ج) گفتن
 (د) قهر

۱۰. ابراز احساسات منفی از طریق کلمات نشان دهنده‌ی چیست؟
 (الف) ضعف و وحشت
 (ب) ترس
 (ج) قدرت و شهامت
 (د) پربروی

۱۱. چه چیزی باعث ترغیب فرد مقابل برای اینکه با آرامش بیشتر و حواس جمع تر به سخنان شما گوش کند می شود؟
 (الف) صریح و صادقانه سخن گفتن
 (ب) آرام و بدون کنایه سخن گفتن
 (ج) محکم بودن کلام
 (د) همه موارد

۱۲. چه زمانی یک مرد از احساساتش حرف می زند؟
 (الف) زمانی که احساس آرامش و همدلی کند
 (ب) زمانی که احساس دلنگی کند
 (ج) زمانی که احساس امنیت کند
 (د) همه موارد

۱۳. چرا باید مساله مورد تحقیق بسیط باشد؟
 (الف) چون مسایل مرکب غیر قابل حل اند
 (ب) مسایل غیر بسیط مشکل اند
 (ج) مساله بسیط فقط می تواند مورد تحقیق باشد
 (د) مسایل غیر بسیط دچار ابهام هستند

۱۴. این سخن از کیست؟
 من در این دنیا ماده و نیروی ازلی نمی بینم و آفرینش جهان رانتيجه تصادف و اتفاق نمی دانم من در آفرینش جهان مشیت قادرمتعال را می بینم و بس.
 (الف) البرت انیشتین
 (ب) ایت الله فلسفی
 (ج) داروین
 (د) کریسی موریس

۱۵. این سخن از کیست؟
 چه زشت است برای مومن که میل و رغبتی در او باشد که او را خوار و ذلیل کند.
 (الف) امام صادق
 (ب) علامه مجلسی
 (ج) امام سجّاد
 (د) پیامبر اسلام

	د	ج	ب	الف
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				

در صورت تمایل به شرکت در مسابقه پاسخ‌های خود را به آدرس دبّی / صندوق پستی ۲۳۰۶۴ ارسال و یا به دفتر مسجد امام حسین(ع) تحویل دهید.

